

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۵۹
چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۲۶ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - بهار ۱۵۰۱ ریال

باطرد
انحصار طلبی
و قشری گری

راه را بسوی گسترش و تعمیق انقلاب بگشائیم

صفحات ۴ و ۵

مجلس شورای اسلامی در برابر یک تصمیم تاریخی و سرنوشت ساز در باره فعالیت احزاب و گروهها

تصویب طرح قانونی تشکیل و فعالیت جمعیتها، انجمنها، احزاب و نظائر آن در شصت و سومین جلسه شورای عالی قضائی و انتشار آن در روزنامهها، بحق این انتظار را در مردم انقلابی ایران بوجود آورد که زمینه خوبی برای حل یکی از مهمترین مسائل اجتماعی سیاسی ایران فراهم شده است. انتظار مردم و همه

چرا روزنامه جمهوری اسلامی به ادعای خود عمل نمیکند؟

صفحه ۷

سه میه بندی و توزیع کالاهای اساسی با کوپن، وسیله مؤثر مبارزه با گرانی است

شاخص بهای کالاهای خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در آذرماه ۵۹، از سوی بانک مرکزی انتشار یافت. آنچه در این آمار جلب توجه می کند، دو چیز است: یکی رشد سریع و یسابقه گرانی و دیگری ثبات نسبی قیمت کالاهای جیره بندی شده.

نگرشی بر این آمار بدرستی این نظر را تأیید می کند که، جیره بندی و توزیع کالاهای اساسی با کوپن، وسیله مؤثری است برای مبارزه با گرانی و حتی کاهش قیمتها.

به ارقام منتشره با دقت بیشتری نظر اندازیم:

آمار منتشره بانک مرکزی حاکی است که در آذرماه امسال، نسبت به ماه مشابه سال قبل، شاخص متوسط قیمت کالاهای خدمات مصرفی در مناطق شهری ۲۵٫۸ درصد و بدون در نظر گرفتن گروه مسکن و سوخت، ۲۹٫۹ درصد بالا رفته است. این چنین جهشی در افزایش قیمت کالاهای خدمات مصرفی در میان کالاهای و خدمات مصرفی در مناطق شهری، بزرگترین رقم، افزایش مخصوص مواد خوراکی است، بطوریکه بیش از ۸۰ درصد از افزایش شاخص کل را ترقی بهای مواد خوراکی تشکیل میدهد.

در میان کالاهای و خدمات مصرفی در مناطق شهری، بزرگترین رقم، افزایش مخصوص مواد خوراکی است، بطوریکه بیش از ۸۰ درصد از افزایش شاخص کل را ترقی بهای مواد خوراکی تشکیل میدهد.

افزایش بالای ۱۵ درصد بهای کالاهای و خدمات همدارنده است، بالای ۴۰ درصد خطرناک است، ۴۵ و ۴۹ درصد انفجاری است.

در میان کالاهای و خدمات مصرفی در مناطق شهری، بزرگترین رقم، افزایش مخصوص مواد خوراکی است، بطوریکه بیش از ۸۰ درصد از افزایش شاخص کل را ترقی بهای مواد خوراکی تشکیل میدهد.

در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تصویب برنامه اقتصادی - اجتماعی حزب کمونیست اتحاد شوروی

مثلا در مقایسه با ماه مشابه سال قبل، افزایش بهای برخی حدود ۹۰ درصد، گوشت قرمز ۵۷ درصد، کره پاستوریزه حدود ۴۸ درصد بوده است. ترقی ماهانه بهای برخی ۷۴٫۳ درصد و بهای حیوانات ۵۹٫۹ درصد و بهای نمک در آذرماه ۱۰٫۴ درصد گزارش شده است.

افزایش قیمت میوه و سبزیها دیگر جای خود دارد، زیرا بالاترین بهای آنها روزانه صورت می گیرد.

بطوریکه ارقام یاد شده نشان میدهد، افزایش مواد خوراکی واقعا وحشتناک و بسیار نگران کننده است. جالب اینکه این افزایش را نمی توان نتیجه کمبود مثلا برنج، گوشت قرمز و یا حتی نمک و میوه و سبزی دانست. همه این مواد در بازار و مغازهها بحد وفور و الااقل به میزان کافی موجود است، منتها قیمت آنها بطور سرسام آور بالا رفته، و طبق شاخصهای بانک مرکزی، تنها طی یکسال، نزدیک به دو برابر شده است.

این وضع چه دلیلی می تواند داشته باشد؟ متأسفانه بانک مرکزی فقط بذكر بقیه در صفحه ۴

در روز دوشنبه ۱۱ اسفند ۵۹، در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیش نویس سند «راستاهای عمده روند اقتصادی - اجتماعی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ و تا سال ۱۹۹۰» به تصویب رسید (درباره رفوس این سند، نامه «مردم» در روزهای اخیر به تفصیل گزارش داد).

کنگره بیست و ششمین به شورای وزیران اتحاد شوروی ماموریت داد که، هنگام تدوین برنامه پنجساله یازدهم، پیشنهادها این را، که در جریان بحث همگانی کنگره درباره سند نامبرده مطرح شد، در نظر گیرد.

کنگره پس از انتخاب ارگانهای رهبری حزب، کار خود را روز سه شنبه، ۱۲ اسفند ماه ۵۹، پایان داد.

بازتاب وسیع پیشنهادهای سازنده لئونیید برژنف در باره تعمیق و تندتشنج زدن در جهان پیشنهاد های سازنده لئونیید برژنف در کنگره بیست و ششم درباره تعمیق روند تشنج زدایی کماکان با واکنش وسیع جهانیان دوبرو میشود:

گروهی از نمایندگان مجلس عوام بریتانیا، از جمله نمایندگان حزب محافظه کار، در نامه ای به روزنامه «تایمز»، خواسته اند که به پیشنهاد های سازنده لئونیید برژنف عکس العمل مثبت نشان داده شود. آنها، بویژه از پیشنهاد لئونیید برژنف فوق العاده شورای امنیت در سطح سران بلند پایه، پشتیبانی کردند.

نایف حواته، رهبر جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، از ابتکار لئونیید برژنف درباره تشکیل یک کنفرانس بین المللی برای حل مسئله خاور نزدیک، استقبال کرد.

چنگیز آیتماوف، نویسنده

نامدار شوروی و جهان، یکی از نمایندگان کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی است. آیتماوف در گفتگویی با روزنامه نگاران گفت: «من این سعادت و افتخار را یافته ام که در چهار کنگره «حزب» بتوانم نماینده شرکت یابم و هر بار، بیش از پیش، این اعتقاد در من تحکیم یافته است که این کنگره ها، بیش از همه چیز، به حیاتی ترین مسائل بشریت، یعنی صلح جهانی و بهروزی انسانها، می پردازند.»

آیتماوف درباره خطری که از سوی امپریالیسم صلح را تهدید میکند، خاطر نشان ساخت: «امپریالیسم امروزه عملا این دستاورد گرانبهای بشریت را مورد حمله و تهدید قرار داده است.»

نویسنده بزرگ شوروی گفت: «حزبی بودن و مردمی بودن راهگشای من بسوی ادبیات ژرف نگراانه و برآستی دمکراتیک است. این راهی است که ادبیات شوروی می پیماید.»

ابراز احساسات «راد یو بختیار» درباره تبلیغات ضد توده ای «میزان» و «انقلاب اسلامی»

«سرمقاله های متعدد روزنامه های «میزان» ... و همچنین «انقلاب اسلامی» ... اگر نگوییم همه، نود درصد به بررسی و تحلیل خیاتها و سواستفاده های آنان (توده ایها) اختصاص دارد» (از گفتار سرایا دشنام و افترای «راد یو بختیار» به حزب توده ایران - ۱۱/۲/۵۹)

ریچارد هلمز، رئیس پیشین سازمان جاسوسی «سیا» از دولت موقت پشتیبانی می کند!

ریچارد هلمز سفیر سابق آمریکا در ایران و رئیس پیشین سازمان جاسوسی «سیا»، در مصاحبه ای در روزنامه آمریکایی «واشینگتن استار»، گفته است که تسخیر لانه جاسوسی «فرواق توطئه افراطیون مذهبی در ایران بود برای سرپوش گذاشتن بر کودتای سیاسی آنها علیه دولت ملی بازرگان».

ریچارد هلمز می افزاید: «(امام) خمینی می ترسید که بازرگان روابط ایران و آمریکا را حفظ کند و حتی توسعه دهد».

وقتی مردم میگویند که لیبرالها

در ۲ روز گذشته: مواضع دشمن در جبهه مریوان در هم کوبیده شد

در ادامه نبرد بین مدافعان انقلاب و نیروهای متجاوز صدامی طی دو روز گذشته، ضربات سنگینی بر پیکر دشمن وارد آمد. بر اساس اطلاعاتی ۴۲۱ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روزنهم و دهم اسفند ماه ۵۹، رزمندگان نیروی زمینی با هماهنگی دیگر نیروهای مسلح ارتش، از بامداد روز نهم اسفند ماه، مواضع دشمن را در جبهه مریوان در خاک عراق زیر آتش شدید و مداوم توپخانه و سلاح های سنگین خود قرار دادند، که برابر گزارشهای دیده بانهای خوری ضایعات و تلفات دشمن در منطقه پنجویں حدود پنجاه درصد بوده است. همچنین بر اثر آتش توپخانه نیروهای خودی در یکی از جبهه های گیلان قرب، یک تانک و ده سنگر دشمن نابود و عده ای از افراد دشمن کشته و مجروح شدند. در این عملیات، نیروی زمینی بیست و هفت تن شهید و

شهربانی جمهوری اسلامی ایران یک تن شهید در تمامی جبهه های نبرد داشته است.

روز دهم اسفند ماه تبادل آتش توپخانه و خمپاره انداز در اکثر جبهه های ایلام بین نیروهای دلاور ما و دشمن وجود داشت و شدت آتش تا ساعت ده و سی دقیقه در جبهه های میمک، کانی سخت، نسبت به سایر جبهه ها شدیدتر بوده است. در این عملیات، با اجرای آتش بروی مواضع متجاوزان

صدامی، ۵ خودرو و ۷ سنگر دشمن منهدم و بیش از ۱۵ تن از افراد متجاوزان کشته و مجروح شدند. در جبهه های سوسنگرد نیز تبادل آتش بین نیروهای خودی و دشمن ادامه داشت و بر اثر آتش توپخانه و مداخله انقلاب، چهار سنگر اجتماعی دشمن ویران و تعدادی از افراد دشمن کشته و مجروح شدند. ضمنا سه دستگاه لودر و بولدوزر دشمن در این عملیات منهدم شد. بقیه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

جلسه علنی دیروز مجلس، بریاست **حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی** تشکیل شد. نخستین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، **عابدین زاده**، نماینده مردم خوی، در سخنان خود از جمله گفت: «بنده اعتقاد دارم که آنهایی که در میدان آزادی حرف میزنند، خود از همه بیشتر دیکتاتورند. بنده امروز خطر ملی گرایی را برای انقلاب بیشتر از گروههای سیاسی دیگر میدانم.» ناطق همچنین به عدم تکمیل کابینه اشاره کرد و درباره اقدامات مجلس از جمله گفت:

«(مجلس) اگر از راه قانونی وقایعانه برخورد می کرد، امروز کابینه هم تکمیل می شد و برچسبهایی هم به مجلس زده نمی شد.»

وی سپس با اشاره به «مذهبی های غیر خط امام» گفت:

«آنها هنوز هم برای آزادی امریه انتظام خدمت امام هم رفته اند. من می پرسم از این وارثین گروگانها، در اولین مرحله ای که در مجلس مسئله گروگانها طرح شد، نامه خصوصی در کنگره آمریکا برای چه کسی آمده؟»

کسانی که اعتصابها را رهبری می کردند، مشخص کنید

نماینده مردم خوی، با اشاره به طولانی شدن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران سؤال کرد:

«چرا جنگ اینهمه ادامه پیدامی کند؟ من از دولت و دادگاه میخواهم که آن کسانی که اعتصابها را رهبری می کردند برای ملت روشن کنند. اگر رجایی بود بگویند و اگر دفتر هماهنگی رهبری می کرد، بگویند و اگر هر کسی دیگری

رهبری می کرد، بگویند.» وی گفت: «در ارتش برنامه ریزی دارند دقیق، افسران کودتاگر را بر سر کارهای مهم می گمارند. دلیل این است که معاونین حکومت نظامی تیمسار رحیمی معدوم ملعون، شاغلند. تغییر و تحولات، در ارتش، انجمنهای اسلامی و اداره های سیاسی ایدئولوژیک را کنار میزنند. ملت یسازر باشید. امت بیدار باشید. خدا شاهد است کودتایی در جریان است شل نباید گرفت. اما کور خوانده اند، کودتا نمی تواند بکنند، اما فقط بها بیشتر می دهیم. کودتای تدریجی.»

موانع بنده «ج» باید بسرعت مورد رسیدگی قرار گیرد

دومین ناطق قبل از دستور، **حسینعلی رحمانی**، نماینده بیجار گروس، ضمن اشاره به همبستگی مردم کردستان با انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران، گفت: «حکومت قانون را باید پذیرفت.» وی همچنین از دستاوردهای انقلاب سخن گفت و از جمله به برچیده شدن مراکز فساد و تصرف لانه جاسوسی آمریکا در ایران اشاره کرد و گفت:

«این انقلاب زمینه را برای رشد فکری و استقلال واقعی فراهم کرد. برای تحقق بخشیدن به آرمانهای انقلاب همه باید تلاش کنند.»

ناطق همچنین به مهاجرت روستائیان به شهرها اشاره کرد. او ضمن برشمردن مشکلات ناشی از مهاجرت، برای جلوگیری از آن از جمله گفت:

«موانع اجرای بند «ج» باید به سرعت مورد بررسی قرار گیرد. روستائیان اطمینان یابند که می توانند با بهره گیری از امکانات کشور زندگی شرافتمندانه خود

در جلسه علنی دیروز مجلس:

از طرح فعالیت احزاب و گروهها انتقاد شد

به آنها که در میادین آزادی صحبت میکنند، خود از همه بیشتر دیکتاتورند به کسانی که اعتصابها را رهبری میکردند، مشخص کنید، اگر رجایی بود بگویند و اگر دفتر هماهنگی بود بگویند

را تأمین کنند.» وی سپس از مشکلات حوزه انتخاباتی خود و نقش فئودالها و عواملشان در این منطقه سخن گفت.

سپس **حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی** درباره اظهارات **عابدین زاده** درباره ارتش توضیحاتی داد و از جمله گفت:

«من آقای **عابدین زاده** را میشناسم و فکر نمیکنم نظرشان به مجموعه ارتش و اکثریت قریب به تمام آن باشد.»

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با اشاره به درخواست عده ای از نمایندگان از وی مبنی بر پاسخ به اظهارات رئیس جمهوری در اطلاعیه خود و نیز مطالبی که در کارنامه خود در روزنامه «انقلاب اسلامی» در مورد مجلس داشته است، گفت:

«ما از امام می خواهیم که روشن کنند حق مجلس و حق شورای نگهبان را و حق اینکه، که باید قانون بگویند و که آن را با قانون اساسی تطبیق دهند.»

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن اشاره به سخنان امام خمینی، که صریحا در این مورد اظهار نظر کرده اند، توضیح داد که فعلا مصلحت نیست که وی به این مسائل و مطالب پاسخ گوید.

سپس مجلس وارد دستور شد و گزارش «کمیسیون کار و امور اجتماعی» در خصوص اضافه شدن یک تبصره به بند ۲ دایحه تأمین منافع کارگران مشمول قانون سسیم کردن در منافع کارگاههای صنایع و تولیدی مطرح شد. این لایحه با پیشنهاد یکی از نمایندگان، به علت حساس بودن آن، بمدت ۴ روز مسکوت ماند.

طرح فعالیت احزاب و گروهها

سپس گزارش «طرح فعالیت احزاب و گروهها» که در «کمیسیون داخلی» مجلس به تصویب رسیده بود، توسط مخیر کمیسیون برای شور اول در مجلس، قرائت شد. عده ای از نمایندگان در موافقت و مخالفت طرح سخن گفتند.

دکتر سامی، یکی از مخالفین این طرح، در سخنان خود، ضمن اشاره به تصویب قانون اساسی در مورد تعدد احزاب، در پاره ماده ای که به رابطه احزاب و گروه های سیاسی داخل کشور با گروهها و احزاب کشورهای دیگر مربوط است، آنرا در تعارض با روح اصل ۱۵۴ قانون اساسی دانست.

حجت الاسلام مجتهد شبستری مخالف دیگر، در مخالفت با این طرح، ضمن اشاره به امتیازاتی که در این طرح (به شرط گرفتن پروانه) برای احزاب و گروهها در نظر گرفته شده است از جمله گفت: «این خلاف قانون اساسی است. برای اینکه قانون

اساسی در مواد ۴۶ و ۴۷ به صراحه بیان کرده است که همه گروهها، همه حزبها، همه جمعیتها، در تشکیل اجتماعات هم در راه پیوستن آنها و هم در اعلامیه و نشر و غیره ذلك آزاد هستند. بیان آزادی آنها را متوقف بر هیچ چیز نکرده. من استناد میکنم به بیانیه شورای عالی قضایی و سیاستگری می کنم از شورای عالی قضایی.»

وی سپس با اشاره به پیشنهاد شورای عالی قضایی در این مورد گفت:

«به صراحه شورای عالی قضایی تصریح کرده که گرفتن پروانه لازم نیست. فقط مسئله اینست که اگر گروهی یا جمعیتی خواست شخصیت حقوقی داشته باشد، برای آن باید به مقامات صالحه مراجعه کند.»

وی سپس با اشاره به مواد مختلف این طرح آنرا از پای بست، ویران توصیف کرد و مغایر قانون اساسی و «مضر به انقلاب اسلامی» خواند.

حجت الاسلام مجتهد شبستری، ضمن اشاره به اینکه معیارهای آزادیهای غربی به پیچیدگی مورد توجه نیست گفت: «سخت معتمد این باید هماهنگ با قانون اساسی باشد، نه بر مبنای اینکه فشارهای سیاسی ما را به تخلف از قانون اساسی و اداره قانون اساسی خوبهای شهادت ماست.»

با پایان یافتن وقت مجلس، ادامه بحث در مورد این طرح به جلسه امروز مجلس موکول شد. همچنین در جلسه امروز، گزارش «کمیسیون بازرگانی» در مورد «طرح ملی کردن تجارت خارجی» مورد بحث و بررسی نمایندگان قرار خواهد گرفت.

مجلس شورای اسلامی

بقیه از صفحه ۱

و تدارک شده، در مجلس شورای اسلامی مورد بحث و تصویب قرار گیرد و رسمیت قانونی پیدا کند.

متأسفانه در جلسه دیروز مجلس، نه فقط طرح پیشنهاد شورای عالی قضایی، که یکی از سه ارکان عمده جمهوری اسلامی است، به بحث و بررسی گذاشته نشد، بلکه بجای آن طرح ۲۰ ماده ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت، که گذشته از عدم انطباق آن با شرایط ویژه پس از پیروزی انقلاب (ما در مورد مواد مختلف این طرح بعداً به تفصیل صحبت خواهیم کرد) در تناقض با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین با طرح پیشنهاد شورای عالی قضایی است و لذا بحق نگرانی برانگیز است.

صحبت تنها بر سر نگرانی افکار عمومی از طرح ۲۰ ماده ای نیست. صحبت بر سر آن است که برخی مقامات مسئول جمهوری اسلامی نیز نسبت به این طرح نگرانی داشته اند، و الا دلیل نداشت که با وجود اطلاع برجستگان طرحی در کمیسیون مجلس، شورای

عالی قضائی مبادرت به تصویب طرح دیگری نماید و گذشته از انتشار در مطبوعات، آنرا برای تصویب در اختیار کمیسیون مجلس قرار دهد.

شورای عالی قضائی بدرستی به اهمیت مسئله توجه کرده و تشخیص داده است که در جمهوری اسلامی ایران، نه ایجاد محدودیت و به بند کشیدن احزاب، بلکه رعایت دقیق قانون اساسی است که تیل به هدفهای انقلاب و جمهوری را تأمین می کند. اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی فعالیت جمعیتها، انجمنها و احزاب را بر رسمیت شناخته است. ماده یک طرح تصویری شورای عالی قضائی مشعر بر همین است که بدرستی خاطر نشان می سازد:

«هر کس و هر گروه می تواند جمعیت و انجمن و سازمان و حزب یا هر نوع تشکیلات فرهنگی، دینی، سیاسی، اجتماعی دیگر تشکیل دهد، بی آنکه نیازی به تحصیل پروانه رسمی داشته باشد.»

طرح تصویری شورای عالی قضائی، ضمن آنکه آزادی فعالیت جمعیتها، انجمنها، احزاب و نظائر آن را بر رسمیت می شناسد، در عین حال اینطور نیست که موجبات هرج و مرج در این مسئله حیاتی را فراهم

آورده باشد. مواد ۲، ۳، ۴ این طرح، که در آنها در نظر گرفته میشود که احزاب، برای اینکه رسماً شخصیت حقوقی شناخته شوند، باید به ثبت برسند، مسئولان آن به دولت معرفی شوند و از هر نوع فعالیتی که «نافذ استقلال، آزادیهای مشروع دیگران، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی و مصالح کشوری باشد، خودداری کنند» ناظر به حفظ کلیه اصول بسود انقلاب و جمهوری اسلامی است.

طرحی که از طرف کمیسیون به مجلس ارائه شد و در جلسه دیروز کلیات آن مورد بحث قرار گرفت، ضمن اینکه مزایای طرح پیشنهادی شورای عالی قضائی را در بر ندارد، شخصیت سازمانهای اجتماعی - سیاسی راه، که باید مورد احترام باشند، تا حد پنگاه معاملاتی پایین می آورد. در حالی که طرح شورای عالی قضائی قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصول آن را مشخص کننده فعالیت احزاب و جمعیتها می شناسد، طرح ارائه شده کمیسیون به مجلس، تعیین تکلیف احزاب و جمعیتها را موکول به صدور پروانه می کند، و اختیار صدور این پروانه را هم در اختیار مراجع دست دوم و سوم قرار می دهد. علاوه بر طرح، احزاب و جمعیتها را به گروههای برخوردار و محروم امتیاز تشکیل

اجتماعات و راهیمانی و اجازه انتشار اعلامیه های خود تقسیم می کند، که نه تنها معرف دادن امتیاز به یک حزب و جمعیت بزیان احزاب و جمعیت های دیگر است، بلکه اصولاً خلاف اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

مثالی داریم که می گوید: «حرمت مسجد بنا متولی است.» اکنون نیز حرمت جمهوری نویی اسلامی در درجه اول با مجلس شورای اسلامی است. مجلس در مسئله تصمصیم گیری در مورد فعالیت احزاب و سازمانها و جمعیتها با اتخاذ تصمیم تاریخی و سرروشت سازی مواجه است. ما شاهد آن بوده ایم که مجلس شورای اسلامی در چنین مواردی قادر به اخذ تصمیمات و تصویب قوانینی مبتنی بر حفظ منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بوده است. می خواهیم امیدوار باشیم که در این مورد نیز همین روش تعقیب شود و مجلس، بجای صحه گذاشتن بر طرح پیشنهادی کمیسیون، طرح شورای عالی قضائی را مورد بحث و تصویب قرار دهد.

به یقین این انتظاری است که همه نیروهای مومن به انقلاب و معتقد به جمهوری اسلامی ایران از مجلس شورای اسلامی دارند.

سهیمیه بندی

بقیه از صفحه ۱

ارقام پسند نموده و توضیحی در این باره نمی دهد. حال آنکه خود ارقام معرفی و گویای این واقعیت است که علل گرانی را باید در فقدان نظارت بر قیمتها و سودجویی عده فروشان و محتکران جستجو کرد، زیرا مثلاً در مورد ۲-۳ کالای که چیره بندی شده، قیمتها نه فقط ثابت مانده، بلکه حتی در کاهش عمومی نرخ تورم و گرانی نیز تأثیری جدی داشته است.

بعنوان مثال، درباره تأثیر سهیمیه بندی قند و شکر، گزارش بانک مرکزی چنین حاکیست که بهای قند و شکر، که در بازار آزاد در سطحی بالاتر از نرخهای تعیین شده قرار داشت، در آذرماه بر اثر سهیمیه بندی و توزیع آن با نرخهای دولتی تا حد قابل ملاحظه ای (قند ۴۶ درصد و شکر ۲۷ درصد) پائین آمد.

گزارش بانک مرکزی حاکیست که بهای پودرهای لباسشویی ثابت مانده و بهای روغن نباتی، با وجود کمبود شدید این کالا و تا حدودی نارسائی در توزیع آن، معذک در مقایسه با سال قبل فقط ۹ درصد افزایش نشان می دهد.

چنانکه می دانیم، قند و شکر، پودر لباسشویی و روغن نباتی سه کالای هستند که سهیمیه بندی شده و با کوبن توزیع شده اند، سوخت نیز، که توزیع آن از طریق

سهیمیه بندی صورت گرفته، طبق آماربانک مرکزی، در مقایسه با کالاهای دیگر، افزایش ممتدلی را نشان می دهد.

نتایج حاصله از سهیمیه بندی فقط چند رقم کالا گواه بر تأثیر جدی این اقدام در ثبات نگاه داشتن وحی کاهش قیمت مواد خوراکی و سوخت است. این وضع دلیل روشنی است بر اهمیت و ضرورت این اقدام.

ما قبلاً بکرات ضرورت هرچه سریعتر سهیمیه بندی و توزیع کالاهای اساسی را با کوبن خاطر نشان ساخته ایم. اکنون که آمار بانک مرکزی نیز نتایج مثبت این اقدام را تأیید می کند، جا دارد که مقامات دولتی انجام این کار فوق العاده مهم و ضروری را از امروز به فریاد محول نکنند.

باید خاطر نشان ساخت که تنها مواد خوراکی نیست که قیمتهای سرسام آور پیدا کرده است. آزادی غارت بازارگانان عمده، محتکران و سودجویان سبب شده است که قیمت پوشاک ۴۶ درصد، اثاثیه، کالاها و خدمات مورد استفاده در خانه نیز ۳۷ درصد افزایش حاصل کند. جالب اینکه قیمت غذا در خارج از خانه، که نشانه سودجویی بی حد و حصر صاحبان رستورانها، مهمنانخانهها و غذایزیهاست، ۵۷ درصد، که رقم سرسام آوری است، افزایش پیدا کرده است. افزایش قیمتهای اخیر نیز نتیجه عدم کنترل قیمتها و سودجویی های کلان - سرمایه داران است که خربه های احتکار،

مواضع دشمن

بقیه از صفحه ۱

گرانی و نایاب ساختن کالاها را وسیله غارتگری، آنها در شرایط جنگ قرار - داده اند.

بار سنگین این گرانی و غارت در درجه اول بدوش زحمتکشان گذاشته می شود. چنانکه آمار بانک مرکزی تأیید می کند، با وجود ترقی قیمتها در همه زمینه ها، شاخص دستمزد کارگران ساختمانی، که اصولاً معیار تعیین وضع دستمزدهاست، تقریباً بدون تغییر بوده است.

بصراحت و با روشنی تمام باید خاطر نشان ساخت که کم زحمتکشان زیر بار گرانی در حال شکستن است. دولت اگر نمی تواند به دستمزدها و درآمد کارگران، بعلت شرایط خاص جنگ و هزینه های ناشی از آن، بیافزاید، امکان پائین آوردن و ثابت نگاه داشتن قیمتها را کاملاً در اختیار دارد.

چیره بندی و توزیع کالاهای اساسی از طریق فروشگاههای دولتی، تعارنی و خرده فروشیهها، همچنین اقدام سریع به ملی کردن بازرگانی خارجی و نظارت موثر بر بازرگانی در داخل کشور، خاتمه دادن به اخلاص بازرگانان عمده و محتکران در وضع اقتصادی، خربه های موثر و کار آ علیه گرانی و حتی نیل به کاهش قابل ملاحظه قیمتهاست. این اقدامات لازم و میرم، قبل از آنکه ضد انقلاب وابسته به امپریالیسم بتواند زمینه های نارضایتی را تشدید کند، باید انجام گردد. درغیر اینصورت، عواقب خطرناکی برای انقلاب خواهد داشت.

کمک مالی به حزب توده ایران

- کاملاً س ۵۰۰ ریال
- هدیه عروسی کتی یک سکه نیم خانم ا. امام ۱۰۰۰ ریال
- کارگران یک نجاری ۱۰۰۰ ریال
- فارغ التحصیلان اطریش ۹۰۰۰ ریال
- زهره از کار خیاطی ۸۲۵۰ ریال
- ج. ت ۱۰۰۰۰ ریال
- نوشین ن ۲۰۴۰ ریال
- حافظ ۵۶۰ ریال
- منصور از درکه ۲۹۳۰۰ ریال
- سازمان حزبی در بزرگیک ۲۵۰۰۰ ریال
- مژده ۳۲۰۰ ریال
- از کرمان ۲۱۵۰۰ ریال
- علاقندان می توانند کمک مالی خود را حساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

علاقندان می توانند کمک مالی خود را حساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

سیمینه رودی ها در جبهه فعالند و در پشت جبهه پر تلاش

دهستان سیمینه رود یکی از دهستان های استان همدان است. این دهستان در منطقه ای کوهستانی - جلگه ای قرار دارد. سیمینه رود روستاهایی را در برمی گیرد که برخی از آن ها عبارتند:

ردیف	نام روستا	موقعیت روستا	جمعیت	تعداد خانوار	تعداد خوش نشین
۱	کמוש بلاغ	در ۳۵ کیلومتری همدان - جلگه ای است	۶۵۰ نفر	۱۱۰	۱۶
۲	پهنه بر	در ۴۰ کیلومتری همدان - کوهستانی است	۲۶۰ نفر	۱۳۰	۴۰
۳	همه کسی	در ۲۲ کیلومتری همدان - جلگه ای - کوهستانی است	۴۰۰۰ نفر	۴۲۰	۱۲۰
۴	قشلاق	در ۲۲ کیلومتری جاده سنندج - همدان - کوهستانی است	۶۰۰ نفر	۱۱۰	۳۰
۵	باباعلی	در ۴ کیلومتری جاده سنندج - همدان و ۳۵ کیلومتری همدان - کوهستانی است	۱۴۰۰ نفر	۲۴۵	۸۰
۶	تاج آباد علیا	در ۴۰ کیلومتری همدان - کوهستانی است	۵۰۰ نفر	۱۰۰	۳۵
۷	دهنو	در ۱ کیلومتری جاده همدان - سنندج - کوهستانی است	۲۵۰ نفر	۵۲	۱۵
۸	تاج آباد سفلی	در ۷۰۰ متری جاده همدان - کرمانشاه - کوهستانی است	۲۰۰۰ نفر	۲۹۰	۱۴۰
۹	گنده جین	در ۲/۵ کیلومتری جاده همدان - کرمانشاه - جلگه ای - کوهستانی است	۱۰۰۰ نفر	۱۶۰	۲۰
۱۰	اختاچی	تاجاده اصلی ۸ کیلومتر فاصله دارد - جلگه ای - کوهستانی است	۸۰۰ نفر	۱۳۴	۳۰
۱۱	چشم کبود	در ۶ کیلومتری جاده همدان - کرمانشاه - جلگه ای است	۲۲۰ نفر	۳۴	-
۱۲	ارومند	تاجاده اصلی ۱ کیلومتر فاصله دارد - جلگه ای - کوهستانی است	۲۰۰۰ نفر	۲۵۰	۶۰
۱۳	چشم قصابان	در ۱۲ کیلومتری همدان و ۲ کیلومتری جاده اصلی - کوهستانی است	۸۰۰ نفر	۱۱۰	۱۲
۱۴	بهادر بیگ	در ۳۳ کیلومتری همدان - جلگه ای است	۳۰۰۰ نفر	۵۰۰	۱۵۰
۱۵	کریم آباد	جلگه ای است	۱۰۰۰ نفر	۱۴۴	۵۶

در روستاهای فوق بسیاری از روستاییان زحمتکش فاقد زمین هستند. آنان چشم انتظارند، تا با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی صاحب زمین شوند. لیکن علیرغم عدم برخورداری از زمین، درجبهه و پشت جبهه شرکت فعال دارند. سیمینه رودی ها در پشت جبهه و از طریق ارسال کمک های نقدی و جنسی به جنگ زدگان و پیکارگران جبهه ها یاری می رسانند. آن ها خود نیز فعالانه با شور و اشتیاق وافر درجبهه ها شرکت می جویند، تا با نثار خون خود نونهال استقلال را به درخت تنومندی بدل کنند.

هم چنین روستاییان ۳ خواران و ۳۵۰۰۰ ریال پول نقد کمک کرده اند. مردم قریه پهنه بر از جهاد سازندگی نهایت سیاستگرایی را دارند، زیرا برای روستا حمام دوشی ساخته، مدرسه را مرمت کرده و پل هم زده است. آب روستا از رودخانه تامین می شود که چون سد ندارد، تمام آب آن به هدر می رود. پهنه بر مزرعه های به نام سلطان آقه دارد، که به علت خشک شدن قنوات، زمین های آبی آن در حال تبدیل شدن به دیم هستند. با توجه به حاصلخیزی اراضی مزرعه مذکور، لازمست که هرچه زودتر قنوات آن لایروبی شوند و نیز چاه عمیق و نیمه عمیق حفر گردد.

به همین سبب باغ های انگور و درختان میوه قشلاق در معرض خشک شدن قرار گرفته اند. راه روستا بسیار خراب است، به طوری که با اولین برف زمستانی بسته می شود. حمام روستا به صورت خزینه، قدیمی، کثیف و ناقل بسیاری از امراض است. اهالی به حمام دوشی نیاز دارند. در قشلاق درمانگاه وجود ندارد. مدرسه ۵ کلاسه روستا نیز احتیاج به بازسازی دارد.

دهقانان محروم روستاهای سیمینه رود گذشته از مشکل زمین، معضلات دیگری نیز دارند، که حل فوری و سریع آن ها از اهمیت خاصی برای روستاییان، و در نهایت برای شکوفایی اقتصاد کشور و خنثی کردن توطئه های امپریالیسم آمریکا برخوردار است.

روستاییان زحمتکش روستای همه کسی نیز با شروع تجاوز صدام، آماده شرکت در بسیج عمومی شده اند. عده ای از اهالی به عنوان جان فدا خود را به بسیج معرفی کرده اند. منقضی خدمت های ۵۶ نیز خود را معرفی کرده اند. هم چنین اهالی ۴ تن نان و ۲ تن آرد، ۱۲ راس گوسفند و ۲۲۵۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ زدگان یاری رسانده اند.

پایه قریه باباعلی، در این روستاهای با ۱۰۰۰۰ ریال وجه نقد، گوسفند، نان و پنیر به جنگ زدگان کمک کرده اند. ۳ نفر از اهالی نیز داوطلب اعزام به جبهه شده اند.

آنچه در زیر می آید، گوشه ای از فعالیت چشم گیر روستاییان در پشت جبهه و نیز مشکلات آنان را نشان می دهد: پیکار کמוש بلاغ، روستاییان این روستا، به دنبال جنگ تحمیلی صدام علیه ایران انقلابی، منقضی خدمت های ۵۶ خود را معرفی کرده و به جبهه اعزام داشته اند. روستاییان هم چنین پول و نان و روغن کمک کرده اند.

میزان آب همه کسی بسیار کم است. در این مورد یکی از دهقانان می گوید: "ما فقط به آب احتیاج داریم. اگر آب برسد، ما می توانیم هر محصولی که دولت بخواهد، به عمل آوریم و آن قدر می گاریم تا دیگر به آمریکا احتیاج نداشته باشیم. قنات ها و کهریزهای ما احتیاج به لایروبی دارند."

اهالی هم چنین به حمام دوشی نیاز دارند. یکی دیگر از خواست های اهالی بازسازی راه روستاست، که مسافت آن ۴ کیلومتر است و بسیاری از کارهای آن انجام شده، ولی لازمست که وزارت راه بودجه آن را تأمین کند و در اختیار جهاد قرار دهند تا با همکاری مردم راه مرمت گردد. لازم به ذکر است که جهاد سازندگی مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد برای فرش بافی و فعالیت های غیر کشاورزی در اختیار اهالی قرار داده است.

در این روستا بزرگ مالکی وجود ندارد. لیکن روستاییان در اثر سیاست غارتگرانه رژیم گذشته در فقر کامل به سر می برند. مشکل آب و آبیاری یکی از مشکلات روستاییان را تشکیل می دهد و اکثر زمین هایی که می توانند آبی و حاصلخیز باشند، به صورت دیم کشت می شوند. در این مورد ضروریست که جهاد سازندگی هرچه زودتر قنوات را لایروبی کند. حمام روستا به صورت دوشی است، که از طرف شرکت تعاونی ساخته شده است. در این روستا درمانگاه دارو و پزشک وجود ندارد. راه روستا که تاجاده اصلی یک کیلومتر است، نیاز به ترمیم دارد. از دیگر خواست های روستاییان می توان از تأمین برق روستا، لوله کشی آب آشامیدنی و وام یاد کرد. پایه قریه پهنه بر، در این روستا نیز ۵ نفر داوطلب اعزام به جبهه شده اند.

روستاییان تاج آباد علیا نیز فعالانه در بسیج عمومی شرکت جست و قسمت اعظم گذران اندک زندگی خود را در خدمت جنگ زدگان و رزمندگان قرار داده اند، از جمله نان و انگور و ۵۰۰۰۰ ریال وجه نقد کمک کرده اند. در این روستا نیز میزان آب کم است، حتی آب آشامیدنی هم یافت نمی شود. دهقانان محروم تاج آباد علیا از دولت می خواهند که وسایل تولید کشاورزی را در اختیار آنان قرار دهد، زیرا در این روستا تنها یک تراکتور وجود دارد. ۲ کیلومتر راه روستا تاجاده اصلی نیز خراب است. حمام به صورت خزینه و کثیف است. در این روستا یک

مدرسه ۵ کلاسه وجود دارد. شرکت در بسیج عمومی هستند. آنان و ۵۰۰۰۰ ریال وجه نقد کمک کرده اند. در این روستا نیز میزان آب بسیار کم است و لازمست که هر ۴ قنات روستا کور شده اند و احتیاج به لایروبی دارند.

مدرسه ۵ کلاسه وجود دارد. در روستای دهنو نیز اهالی آماده شرکت در بسیج عمومی هستند و بانان و پنیر به جنگ زدگان کمک کرده اند. روستاییان دهنو نیز با بی آبی روبرو هستند. گندم و جو به صورت دیم کشت می شود. در این خصوص یکی از دهقانان می گوید:

"ما حتی آب خوردن نداریم. برای آوردن آب باید ۲ کیلومتر پیاده روی کنیم، تا به چشمه برسیم. دولت باید برای ما چاه عمیق بزند، قنات های ما را لایروبی کند و تراکتور در اختیار ما بگذارد، تا هر محصولی که بخواهد، تولید کنیم. اگر این کارها را بکنند، تمام زمین های دیم ما تبدیل به آبی می شوند و ما می توانیم بیشتر تولید کنیم تا به آمریکا محتاج نباشیم." حمام روستا به صورت خزینه و قدیمی است. وضع راه روستا بسیار خراب است، به طوری که در اوایل زمستان بسته می شود.

پیکار روستای تاج آباد سفلی، در اینجانباز روستاییان با تمام وجود به یاری جنگ زدگان و دلاوران جبهه ها شتافته اند. چنان که اهالی در بسیج ثبت نام کرده اند و بفر هم به عنوان داوطلب خود را معرفی کرده اند، تا از انقلاب پشتیبانی کنند. همچنین اهالی ۲ تن نان و ۵۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ زدگان کمک کرده اند.

اراضی بزرگ مالک در تاج آباد سفلی ۱۲۰ هکتار بود، که در پاییز گذشته توسط هیئت واگذاری زمین واگذار گردیدند. البته واگذاری اراضی فعلا فقط برای امسال بود تا کشت نشده باقی نمانند. دهقانان بی زمین و کم زمین هم زمین ها را کشت کردند و خواهان واگذاری قطعی و قانونی آن ها هستند. روستاییان زحمتکش تاج آباد سفلی نیز با دو مشکل عمده، یعنی کمبود آب و وسایل تولید کشاورزی روبرو هستند. هر سه قنات روستا احتیاج به لایروبی دارند. یکی از دهقانان در مورد دو مشکل فوق می گوید:

"ما احتیاج به آب و وسایل تولید کشاورزی، تراکتور، یونجه چین و کمپاین داریم. اگر این ها به ما برسد، می توانیم زمین های بایر را زیر کشت ببریم و فرمان امام را اجرا کنیم." بنابراین، با توجه به این که اعتلاء کشاورزی ایران منوط به محور بزرگ مالکی و قراردادان وسایل و امکانات در اختیار روستاییان است، نهاد های مسئول باید این امکانات را در اختیارشان قرار دهند تا روستاییان زحمتکش در تولید بیشتر کوشا باشند.

تاج آباد سفلی مدرسه ۵ کلاسه دارد. حمام دوشی روستا احتیاج به تعمیر دارد. در روستای گنده جین، منقضی خدمت های ۵۶ خود را برای شرکت در جبهه معرفی کرده اند. اهالی ۵۶/۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ زدگان یاری رسانده اند.

پیکار دهقانان گنده جین نیز به مانند روستاییان سایر روستاهای سیمینه رود به وسایل تولید کشاورزی، چون تراکتور و کمپاین و نیز آب نیاز وافر دارند. تمام اراضی این روستا به وسیله ۲ قنات و رودخانه آبیاری می شوند، که آب رودخانه هم در تابستان و فصل اصلی کاشت و داشت کم می شود.

شورای ده نیز به وسیله نامه ای از بخشداری درخواست احداث سیل بند بر روی رودخانه کرده است، که طبق گفته اهالی، همه ساله خسارت زیادی به روستا وارد می سازد. بدین لحاظ اهالی خواهان احداث سیل بند یا منحرف کردن آب آن از وسط ده هستند.

در این زمینه یکی از اعضا شورا می گوید: "ضمن مراجعه به نهاد های انقلابی موافقت نامه را از این نهاد ها و نیز اداره بهزیستی گرفته ام، ولی می گویند که بودجه این کار تأمین نشده و ما بلا تکلیف مانده ایم. منحرف کردن آب رودخانه خواست اصلی ماست زیرا با زندگی ما بازی می کند." در گنده جین مرکز بهداشت روستایی

تاسیس گردیده، لیکن فاقد امکانات و وسایل کافی و پزشک است. در روستا مدرسه ۵ کلاسه ابتدایی و راهنمایی وجود دارد. پیکار اهالی روستای اختاچی نیز به مناسبت جنگ تحمیلی صدام علیه ایران ۵۰۰۰۰۰ ریال به جنگ زدگان کمک کرده اند. روستاییان زحمتکش روستا، علیرغم مشکلات، هستی خود را در خدمت به مبارزان و نیز آسیب دیدگان از جنگ قرار داده اند، زیرا راهی خود را در بی اثر کردن توطئه های آمریکا و تعمیق انقلاب می دانند.

دهقانان اختاچی نیز با کمبود آب و وسایل تولید کشاورزی روبرو هستند. اهالی اراضی را با گاو شخم میزند و بدین علت همه ساله مقداری از زمینها کشت نشده باقی میمانند. قنات های روستا نیز کور شده اند و نیاز به لایروبی دارند. در این روستا حمام دوشی بوسیله جهاد سازندگی ساخته شده، که این امر موجب خوشحالی اهالی گردیده است. در اختاچی مدرسه ابتدایی وجود دارد، لیکن از مدرسه راهنمایی خبری نیست. ۴۰ نفر از محصلین راهنمایی سرگردان هستند. راه روستا خراب است و با اولین برف زمستانی بسته میشود.

پیکار در چشم کبود نیز اهالی آماده شرکت در بسیج عمومی هستند و عده ای هم بعنوان داوطلب خود را معرفی کرده اند. تاجان خود در انتشار انقلاب کنند.

در چشم کبود هم، مانند سایر روستا های سیمینه رود، دهقانان با مشکل فقدان وسایل و امکانات تولید کشاورزی و کمبود آب روبرو هستند. در این روستا تراکتور وجود ندارد. ۳۰ قنات روستا کور شده اند. اهالی از جهاد سازندگی تقاضای لایروبی قنات ها کرده اند، لیکن تا بحال رسیدگی نشده است.

حمام روستا به صورت خزینه و قدیمی است. وضع راه روستا خراب است و نیاز به مرمت و شنریزی دارد. در روستای چشم کبود از درمانگاه خبری نیست. در روستا مدرسه ۴ کلاسه وجود دارد. پیکار در روستای ارومند روستاییان به تلاش به منظور تقویت جبهه مشغول هستند. در این روستا منقضی خدمت های ۵۶ خود را معرفی و به جبهه اعزام شده اند. همچنین اهالی حدود ۳۰۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد کمک کرده اند.

بزرگ مالک ارومند حدود ۱۰۰۰ هکتار قلمزار و زمین روستا را غصب کرده بود. یکی از دهقانان در مورد این بزرگ مالک و اراضی غصبی وی می گوید:

"این مالک الان در عراق مشغول خرابکاری است. او یکمتر به ما ظلم کرد و فرار کرد. حالا که به یاری امام انقلاب شده و حق ما به خودمان رسیده، ایادی و نمایندگانش سابق مالک ما را اذیت و حتی تهدید می کنند، ولی اگر ما را هم بکشند نمیتوانند زمینها را بگیرند."

بی زمینها در ارومند خود زمینها را گرفته و کشت کرده اند. این زحمتکش امیدوارند که هیئت واگذاری زمین هر چه زودتر کار واگذاری اراضی را بصورت قطعی و قانونی به انجام رساند.

میزان آب روستا بسیار کم است و قنوات آن، که ۵ رشته هستند، احتیاج به لایروبی دارند. حمام روستا بصورت دوشی است که بخشداری ساخته است. در این روستا درمانگاه و پزشک و دارو وجود ندارد. همچنین دهقانان به تراکتور نیاز دارند تا زمینهای بیشتری را شخم بزنند و بزرگ کشت ببرند. پیکار روستای چشمه قصابان، در این روستا اهالی آمادگی خود را جهت شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده و هر خانوار حدود ۳۰۰ تومان کمک نقدی کرده اند. تأمین آب یکی از خواست های مهم اهالی است. خواست دیگر دهقانان چشمه قصابان تدارک وسایل تولید کشاورزی برای آنان است، زیرا در این روستا تراکتور وجود ندارد. حمام دوشی با خود یاری اهالی و بخشداری ساخته شده است. وضع راه روستا خراب است و احتیاج به ترمیم دارد. بقیه در صفحه ۷

باطر د انحصار ط راه را بسوز و تعمیق کیفی

است، دوست را از دشمن، آگاهانه تشخیص دهند، تسلیم شانتازها نشوند و بویژه صف خود را از انحصارطلبان و قشرین، از افراطیون ناگاه و کوتهمین، از ارتجاع ضد-مستضعفین، از روحانی نمایان آمریکازده، مجزا و مشخص کنند. اکنون، به حکم منطق انقلاب، صف لیبرالها و خواستاران سازش با دشمن داخلی و خارجی آشکارتر و نقش موربانه‌های آنها مشخص‌تر شده است. دزاین شرایط باید، بخاطرعلاقه به سرنوشت انقلاب، بخاطر گسترش و تعمیق کیفی آن، تشخیص داد که چه عناصری زیرنام اسلام و انقلاب و خط امام خمینی، انقلاب را آگاهانه یا ناآگاهانه تضعیف میکنند، مشکل می‌آفرینند، قانون جمهوری اسلامی ایران را زیرپا می‌نهند، ناراضی می‌تراشند، خود-راشی و خیره‌سری می‌کنند. بخاطر عشقه به انقلاب و پیروزی آن باید دید و آگاهانه دید که، در زیر سایه تعلق تصنی به خط امام خمینی و پیروی ظاهری از آن، بختکی نیز در کار آن است که به جان انقلاب افتد و آنرا خفه کند.

این امام خمینی است که توجه همه مسئولان امور و دست‌اندرکاران را جلب میکند و میگوید که متوجه سوابق افراد باشند و ببینند که این سوابق چگونه است، زیرا ممکن است کسانی ریش هم بگذارند، تسبیح هم بدست بگیرند و جلوی شما نماز هم بخوانند، اما...

در این زمینه نیز، هشیارتر و قاطع‌تر از هر کسی، رهبران انقلاب اثرات سوء فعالیت آن عده از روحانی-نمایانی را که "خرفه آنها مستوجب آتش است" و عملا به نام اسلام و انقلاب در کار جمهوری اسلامی ایران و پیشبرد انقلاب اخلال می‌کنند و بهانه‌به دست دشمن می‌دهند، فاش ساخته است. امام خمینی آنها را با عبارات "آخوند درباری"، "آخوند ساواکی" نامیده و همه انقلابیون را از افتادن در دام آنان برحذر داشته‌اند.

روز عید غدیر امسال، مصادف با ۲۷ آبان ۵۹، امام خمینی گفتند: "برخی از این آخوندهای درباری که ما را نصیحت می‌کنند بیایند و به اسلام برگردید، اینها اسلام را نمایندند چیست. اینها اسلام را جز خوردن نمیدانند... آخر تو برو به اسلام برگرد، تو بیا بفهم اسلام چیست."

روز ۲۷ آبان امسال، امام خمینی طی سخنانی، هشدار دادند و مرزها را مشخص کردند و گفتند: "وقتی ملا و معمم مهذب نباشد، فسادش از همه کس بیشتر است. در برخی روایات است که درجه‌های اهل جهنم از تعفن برخی از آنها درعذابند."

انقلاب برای آن که نیرومند و پیروز شود، باید حساب خود را از بختکی که فسادش بیشتر است و تعفنش دنیا را که هیچ، جهنم را

پیگیرانه و با حوصله، در جهت این اتحاد دورانساز به طور خستگی-ناپذیری می‌روند.

تمام این نیروها در برابر صف "جبهه براندازی" قد علم کرده‌اند. اینک آشکاراست که دو جبهه در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. نبرد این دو صف، یک واقعیت بارز و ملموس و روز بروز آشکارتر جامعه ماست. در واقع لایه‌بندی اجتماعی در دوران تعمیق انقلاب وصف‌بندی سیاسی برای تعیین سرنوشت انقلاب باین شکل ویژه، در شرایط مشخص، بیان شده و تبلور می‌یابد.

صف‌آرایی برای تعیین سرنوشت انقلاب و یافتن پاسخ به این پرسش تاریخی که: "بالاخره کدام طرف پیروز خواهد شد؟"، به سرعت انجام میشود.

آیا "جبهه براندازی" با تکیه بر ضدانقلاب و تفرقه‌افکنی، بر تحریک و عوام‌فریبی، با ساختن خطر موهوم از کمونیسم و سوسیالیسم و توده‌های، یعنی ارباب و شانتاز، از راه قاطی کردن دوست و دشمن و پیاده کردن خط بژئونیسم، خواهد توانست بر مدافعان انقلاب غلبه کند؟ (که به عقیده ما نخواهد توانست)، یا "جبهه پایداری و پیشرفت" با تکیه بر اساسی‌ترین هدف‌های انقلاب و حیاتی‌ترین خواسته‌های توده زحمتکش و بسا طرد همه نقاط ضعف و نارسائی‌ها و اشتباهات و انحصارطلبی‌ها و دفع همه دستاویزها و بهانه‌ها، خواهد توانست روح و جان و توان و استعداد کلیه انقلابی‌های بالفعل و بالقوه را بسیج کند و بدینوسیله دشمنان انقلاب را سرکوب کند و موربانه انقلاب را از پیکر انقلاب بزاید و جاده صاف کن امپریالیسم و طاغوت و استثمار را برای همیشه از کار بیاندازد؟ (که به عقیده ما اگر هشیار و متحد باشد، خواهد توانست).

در این مصادف، غلبه "لیبرالها" و متحدانشان به مسخ و شکست انقلاب خواهد انجامید، و پیروزی انقلابیون هوادار خط امام خمینی به گسترش و تعمیق کیفی آن.

صحنه اصلی نبرد برای تعیین سرنوشت تکامل آتی انقلاب، در اینجاست.

صف انقلاب باید پاک و منزّه باشد

برای پیروزی در این نبرد، اما، باید صف انقلاب پاک و از عناصر غیرانقلابی منزّه و از عوامل مخالف با اهداف انقلاب بری باشد تا نیرومند و شکست‌ناپذیر گردد. به همین خاطر است که ما، همانطور که به‌برخی از پیروان راستین خط امام خمینی هشدار می‌دهیم که در هیاهوی بازی‌دهنده و فریب‌دهنده‌های لیبرالها بر سر اصطلاح "آزادی" بپا کرده‌اند خود را نبازند، وصف خود را از آنها مجزا و مشخص کنند و مرتبا تکرار می‌کنیم که: "شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست، که به حق خواستار آزادی‌های دموکراتیک و احترام به قانون اساسی و اصول و موازین خلقی و ضد انحصارطلبی هستند، نباید با لیبرال‌ها در یک صف قرار گیرند"، همانطور هم به برخی دیگر از پیروان راستین خط امام خمینی هشیارباش می‌گویم که، در هنگامه نبرد اصولی کنونی بخاطر گسترش و تعمیق کیفی انقلاب، که بر سر دفاع از خط امام خمینی و از جمله دفاع از روحانیت مبارز پیرو خط امام خمینی در گرفته

طبقاتی دارند. اینها اسلام و شریعت را بدنام میکنند و با هرگونه تدبیر ترقی‌خواهانه و بنیادی به سود زحمتکشان مخالفتند؛ پنجم افسارممتاز سابق و آنچه با اصطلاح "طاغوتی" خوانده میشود و از جمله برخی از صاحبان مناصب عالی در رژیم گذشته و روشنفکران خودفروخته و خودباخته، که در منجلاب شیوه زندگی آمریکائی و جامعه معروف "مصری" غرق شده‌اند و قلبه امید خود را در افق انقلاب نمی‌یابند؛ ششم سازمان‌های مختلفی که در جریان تسخیر جاسوسخانه آمریکا ماهیت آنها برملا شد و طی افشاگری‌های "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" معلوم شد که امپریالیسم آمریکا به آنها چشم امید دوخته است و آنها نیز برای سازش و تسلیم آماده‌اند؛

هفتم انواع تریچه‌های پوک یا گروه‌های مائوئیستی-آمریکائی، که زیرنقاب "چپ" عمل می‌کنند، ولی آب به آسیاب راست افراطی می‌ریزند و در واقع ستون پنجم امپریالیسم هستند و جمله پر دازی مائوئیستی آنها تنها پوششی است برای خدمت مستقیم به ضدانقلاب؛ هشتم گمراهان و بازی خوردگان، که به علل مختلفی قادر به دیدن واقعیت امر نیستند و فریب حیل‌ها و اغواگری‌های گروه‌های مختلف قبلی را خورده‌اند. چه بسا که اینها نخواهند در راه ضدانقلاب گام بردارند و نخواهند در توطئه براندازی شرکت کنند، ولی بعلت گمراهی و باز خوردگی، بدنبال آنها کشیده میشوند.

"جبهه پایداری و پیشرفت"، اما، توده‌های وسیع مردم را، بویژه از بین زحمتکشان و همچنین کلیه نیروهای آگاه انقلابی را در بر میگیرد. نخست کارگران، دهقانان زحمتکش، توده ستمدیده شهری و روستائی، پیشه‌وران و کسبه جز، کارمندان و روشنفکران خلقی، همه آن طبقات و اقشار مستضعف و ستمکش که نفی در بازگشت بساط طاغوتی و استثمار و وابستگی ندارند و امید حیاتی خود را به تعمیق انقلاب بسته‌اند؛

دوم نیروهای اصیل اسلامی پیرو خط امام خمینی، که از روحانیت متعهد مترقی و آگاه گرفته تا گروه‌ها و سازمانها و شخصیت‌های مختلف مذهبی را در بر می‌گیرد. این نیروها با درک راستین و مردم‌گرایانه اسلام واقعی محمد و علی، در بسیج توده مردم و حفاظت از انقلاب نقش درجه اولی را به عهده دارند و نهادهای انقلابی را به مثابه سلاح‌های موثر و کارایی به منظور دفاع از دستاوردهای انقلاب و پیشبرد آن، به مشارکت فعال در صحنه نبرد با "جبهه براندازی" کشیده‌اند.

سوم نیروهای اصیل هوادار سوسیالیسم علمی، که تمام نیرو و هم‌خویشی را در خدمت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما قرار داده‌اند و در جهت هشیار و تشکل توده مردم و در جهت آگاه شدن و موثر شدن ارگانهای انقلابی، در جهت تقویت صف مقاومت و مبارزه، میکوشند و با فداکاری و ایثار و صداقت انقلابی کم‌نظیری، علیرغم همه مشکلات موجود، در دفاع از انقلاب و تعمیق آن به‌سود توده‌های زحمتکش فعالیت میکنند و بادرک اهمیت تاریخساز اتحاد همه نیروهای خلقی و استقلال طلب

انقلاب بزرگ ما در یک مرحله تاریخ‌ساز از تکامل خود، با توطئه آمریکا - لیبرالها و متحدانشان روبروست که می‌خواهند حکومت انقلابی را براندازند و دولتی به قول خودشان "معقول، معتدل و میانه‌رو" را بر سر کار بیاورند، دولتی که از نظر آمریکا "واقعی" باشد و "طرف مذاکره" قرار گیرد! و از نظر سرمایه‌داران غارتگر داخلی و زمین‌داران بزرگ و همه طاغوتیان و وابسمندگان رژیم گذشته "موجه و قابل قبول" باشد!

مگر نه این است که ریگان، رئیس جمهوری آمریکا، طی نطقی در لوس - آنجلس، تردید کرده است که "آیا واقعا دولتی در ایران وجود دارد؟" و در مصاحبه با هفته‌نامه "یونایتد استیتس نیوزاندورلد ریپورت" گفته است: "برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است که عناصر میانه‌روتری در ایران روی کار آیند!"

لیبرالها و مائوئیستها در برابر هواداران خط امام خمینی

انقلاب ما اکنون با موربانه‌لیبرالی دست و پنجه نرم می‌کند و سرنوشت آن بسته به این است که آیا انقلابیون هوادار خط امام خمینی خواهند توانست بر دسایس و توطئه‌های دشمن و همچنین بر نقاط ضعف و نارسائی‌های خود، که بهانه بدست دشمن و لیبرال‌ها و متحدانشان می‌دهد، فائق آیند یا نه؟

در هنگامه این نبرد سرنوشت‌ساز، خط هارورز به‌روز متمایزتر و جبهه‌ها لحظه به لحظه مشخص‌تر می‌شود. هشیار، روحیه انقلابی، حضور داعی و مشارکت فعال میلیون‌ها نفر در رویدادهای انقلابی و آبدیدگی و تجربه ناشی از توطئه‌های ضدانقلاب و ناشی از جنگ تحمیلی، این تمایز را سریع‌تر و نتیجه قطعی هم‌آوردی را حساس‌تر می‌سازد.

تمایز خط‌ها و جبهه‌ها به‌ویژه، و بیش از پیش، به‌دور مسئله مرکزی تداوم خط امام خمینی یا انحراف از آن صورت می‌گیرد و اتخاذ موضع، در این باره، به حلقه گره‌ی در زنجیر تمام مسائل، جبهه‌ها و سنگرها بدل شده است. در این میان، نقش فعال و پربار بخش بزرگی از روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی، که در نبرد علیه رژیم "طاغوت" و علیه "شیطان بزرگ" شکل گرفت، اکنون نیز در مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب و بسته به امپریالیسم، ستون پنجم آمریکا و لیبرالها و سازشکاران، به سود "مستضعفان جامعه" و "وارثین زمین" اهمیت فراوان کسب می‌کند. به همین جهت، هر آن چه که به درستی در جهت خط امام خمینی انجام می‌شود، طنین بسیار ژرف و اثری جدی در روند تکامل جامعه و در رویارویی همه‌نیرو-های انقلابی در برابر دشمنان انقلاب و پیمان‌شدگان از انقلاب باقی می‌گذارد، و باز هم به همین جهت، تمام گردوغبار انحصارطلبی و محافظه‌کاری و قشری‌گری مستقیمی بر نمایان انقلابیون پیرو خط امام خمینی می‌سیند و به حساب ماهیت و خصلت انقلاب ما نوشته می‌شود.

انقلاب برای آن که پیروز شود و گسترش یابد، از جمله موظف است صف خود را از هر جبهه‌بنام انقلاب انجام می‌شود، ولی سرشتی انحصار-طلب، قشری و محافظه‌کار دارد، جدا کند، تا پاکیزه و نیرومند شود و هرگونه دستاویز را از دشمن بگیرد.

بیش از پیش، دو صف یا دو جبهه را، رودرروی یکدیگر، در مسئله سرنوشت انقلاب و راه آینده میهن ما می‌توان تشخیص داد:

در یک سو صف مخالفان انقلاب قرار دارد، که می‌توان آنرا "جبهه براندازی" نامید و در سوی دیگر صف مدافعان انقلاب، که نام "جبهه پایداری و پیشرفت" بر آن برانزده است.

"جبهه براندازی" طیف بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد، اگر چه در بین توده مردم زحمتکش به عنوان قشر اجتماعی پایگاهی ندارد:

از آشکار و پنهان، داخلی و خارجی، مسلح یا غیر مسلح، ساواکی‌ها و وابستگان به رژیم سرنگون شده؛ دوم سرمایه‌داران بزرگ و زمین-داران بزرگ، که منافع غارتگرانه طبقاتی خویش را در معرض فنا می‌بینند و به هیچ وجه با انقلاب سازش ندارند؛ سوم لیبرال‌ها و تمام آن‌هایی که می‌خواهند از درون، موربانه‌وار، انقلاب را ببوسانند و با آمریکا همراه سازش و تفاهم "معقول و منصفانه" برسند و خصلت خلقی انقلاب و تکیه آنرا به مستضعفین، از آن سلب کنند، و در نهایت، جاده صاف کن سرمایه-داری و بزرگ مالکی و امپریالیسم بشوند؛ چهارم بخشی از روحانی‌نماهای وابسته به طبقات غارتگر، وعاظ-السلطین، آن‌هایی که یا خود بزرگ‌مالک و بزرگ سرمایه‌دار هستند یا با آنها مناسبات نزدیک و پیوند

لبی و قشری گری گسترش انقلاب بگشائیم

بی جهت به طرف نیروهای دشمن انقلاب می‌راند... باید از نیروهای روحانیت مبارز بخواهیم که بگویند از اقدامات گروه‌های افراطی به تمام معنا و به طور جدی جلوگیری کنند. اعمال این گروه‌های افراطی تیشای می‌زند که می‌تواند به ریشه‌بخورد و می‌تواند جنبش انقلابی اصیل هوادار خط امام را تضعیف کند.

مسئله درست همین‌جا است که این جنبش اصیل انقلابی از گزند مصون بماند.

بختگی که باید از آن نجات یافت

اکنون دیگر تشخیص صفی که آشکارا در مقابل گسترش و تعمیق کیفی انقلاب ایستاده، تشخیص موریانه‌ها، کار زیاد دشواری نیست. با کمی دقت می‌توان از آن فرد سرمایه‌داری که برای نظام غارت "آزاد" سینه چاک می‌کند گرفته، تا آن مائوئیست گستاخ و ماسک‌داری که تازه مسلمان شده، از آن شخص غرب‌زده منحط و افسون شده ظاهر تباهی آور شیوه زندگی آمریکایی گرفته تا آن تربیت شده مدارس ویژه وابستگی به آمریکا، از آن "متخصص" پرافادهای که علم را در برابر انقلاب قرار می‌دهد گرفته، تا "سیاستمدار"ی که خود را "معتدل و معتدل و میانه‌رو" معرفی می‌کند - عناصر مختلف صف پرجنجال موریانه‌ها را تشخیص داد.

مردم انقلابی ما، در کوره مصاف، از خویش بلوغ و پختگی فراوان نشان می‌دهند و دیر یا زود، آسان یا دشوار، ولی به‌رحال، این افراد و نیروها را می‌شناسند. همه آن‌ها که هوادار انقلابند، عزم جزم کرده‌اند، تا انقلاب را از گزند محفوظ دارند و خط امام خمینی را، در تمام ابعاد ژرف زندگی آفرین ضد امپریالیستی، مردمی، پویا و پیشرونده خود پیروز گردانند.

اما در درون صف انقلاب، برای تشخیص تهذیب از تعفن، تأکید از تنفر، هنوز کاری جدی باید انجام گیرد. بدیگر سخن، اگر دست لیبرال‌ها، دیگر به‌طور عمده، روده، در مورد عناصر دیگری که از موضع ارتجاعی یا گمراهی افراطی، ماهیت خط امام خمینی را تحریف می‌کنند، با انحصارطلبی و قشری‌گری خود بهانه به دست دشمنان می‌دهند، مردم را ناراضی و ناامید می‌کنند، هنوز مطلب به آن اندازه روشن نشده‌است.

از آنجا که درست همین انحصار-طلبان، قشریون، روحانی‌نمایان و ندانم‌کاران هستند که با موضع‌گیری‌ها و تدابیر و اقدامات ارتجاعی، افراطی و ناخبردانه خود دستاویز برای لیبرال‌ها می‌تراشند و گزک به دست آن‌ها می‌دهند، روشن شدن این جهت از مسئله نیز اهمیت جدی پیدا می‌کند.

مثلا توجه کنید به مسئله حیاتی

و مهم پاک‌سازی ادارات و موسسات که پس از انقلاب برای طاغوت‌زدایی و رفتن وابستگی‌های گوناگون تاجه اندازه ضروری بود و چگونه به همان علت قشری‌گری و انحصارطلبی دچار انحرافات جدی شد. از یک سو بسیاری از ساواکی‌ها، وابستگان به دربار، پس مانده‌های طاغوت، مخالفان انقلاب و خرابکاران بسا تغییرظواهر، با تظاهر به مسلمانی، به زور ریش و تسبیح، ماندگار شدند و از سوی دیگر انبوه کثیری از معتقدان به انقلاب و متعهدان نسبت به استقلال کشور و جمهوری اسلامی ایران - که با خون خودنیز تعهد و اعتقاد خویش را امضاء می‌کنند - تنها به همان علل قشری‌گری و انحصار جویی اخراج شدند و انقلاب از نیروها و استعداد‌های انقلابی بسیاری محروم ماند. آموزش و پرورش نمونه فاجعه‌آمیز آن است. نظایرش رادر همه موسسات می‌توان یافت.

باتوجه کنید به مسئله مهم نهادهای انقلابی و نقش تاریخ‌ساز و افتخارآفرین بسیاری از آن‌ها نظیر سپاه پاسداران و جهاد سازندگی و هیئت‌های ۷ نفری و نهضت سواد آموزی و کمیته‌های انقلاب و غیره، که بازهم در بسیاری موارد علیرغم تصریح این که این نهادها وابسته به گروهی یا در انحصار اشخاص نیستند، به جای آن‌که قابلیت آموزی و کمیته‌های انقلاب و غیره، که بازهم در بسیاری موارد علیرغم تصریح این که این نهادها وابسته به گروهی یا در انحصار اشخاص نیستند، به جای آن‌که قابلیت پذیرش همه عناصر مؤمن به انقلاب را پیدا کنند و مرکز تجمع و عمل کلیه انقلابیون گردند که با تمام وجود خود را وقف انقلاب کرده‌اند، عناصری مشکوک و افرادی ناباب نیز تنها به علت تظاهر به "مکتبی" بودن، بقیه دراندن تصنعی و سینه به تنور چسباندن فرصت طلبانه، توانستند وارد آن‌ها شوند. چقدر عملکرد این نهادهای برخاسته از بطن مردم و از جوشش انقلاب می‌توانست غنی تر و برابری باشد، اگر انحصارطلبی‌ها و قشری‌گری‌ها موانعی ایجاد نمی‌کرد و عناصر ناباب و مشکوک به درون آن‌ها نفوذ نمی‌کردند.

درست است که این نهادها، هر مجموع خود، وظیفه بزرگ پاسداری از انقلاب و مبارزه با توطئه‌های ضدانقلاب و یا پایه‌گذاری سازندگی را در این یا آن زمینه به عهده داشته‌اند و نقش شایان‌تخصیصی نیز ایفا کرده‌اند. ولی انحصارطلبی‌ها و قشری‌گری‌ها، شرکت فعال و پرثمر بسیاری از عناصر مؤمن به انقلاب و فداکار در راه اهداف آن را در عمل غیرممکن ساخت. انحصارطلبی‌ها و قشری‌گری‌ها در درون این نهادها امکان داد که عناصر وابسته به ضدانقلاب، مشکوک و ناباب و حتی در مواردی ساواکی‌ها هم با تظاهر افراطی به مذهب، در آن‌ها راه‌یابند و به این نهادها، به اعتماد مردم به آن‌ها، به انقلاب، از پشت خنجر زنند. بی‌جهت نیست که بارها و بارها امام خمینی در جهت تصفیه و تزکیه آن‌ها توصیه کرده‌اند.

امام خمینی در گفتار خود با اعضای کرده‌اند، در همه کمیته‌ها، در همه دادگاه‌ها، برای خاطر مشوح کردن این جمهوری کارهای خلاف می‌کنند" (۱۶ بهمن ۱۳۵۹).

یا توجه کنید به مسائل مهم و

حیاتی - اگرچه روزمره - گرانی و کمبود کالاها و چگونگی برون رفت از بن‌بست‌های اقتصادی و دشواری‌های اجتماعی. عده‌های کلاش و دزد به معنای واقعی کلمه، که از خون مردم تغذیه می‌کنند، به نام بازاری "متدین" گلوی مردم را گرفته‌اند و می‌فشارند. آن‌ها با تقرب و نزدیکی به این مقام و آن مرجع، در این و با آن کمیته، زورگویی می‌کنند و نمی‌گذارند مردم زحمتکش از برکات انقلابی که متعلق به آن‌ها است، برخوردار شوند. کوشش‌های مسئولان متعدد و نهادهای انقلابی هم در زمینه حل مشکلات، ثمره دلخواه را نمی‌دهد، چون بدون استفاده‌گذاشتن برنامه‌ها و راه‌حل‌های عرضه‌شده، عدم بهره‌گیری از نیروهای موجود، به علت همین قشری‌گری، انحصارطلبی و ترس از شانتاز، مانع می‌شود و، در نتیجه، عده‌ای استثمارگر، حتی بارها پیش از زمان طاغوت، سود به جیب می‌زنند.

باتوجه کنید به مسئله مهم آزادی‌های دموکراتیک و حقوقی که قانون اساسی برای افراد کشور و برای احزاب و سازمان‌ها و گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی و اجتماعی در نظر گرفته است. عدم احترام به این اصول، که بر همان انحصارطلبی و قشری‌گری متکی است، موجب شده است که لیبرال‌ها - این جاده صاف‌کن‌های امپریالیسم - میدان‌دار شوند و خود را "قهرمان" "آزادی" و "حقوق بشر" جا بزنند. همه می‌دانند که اگر این نیروهای مخالف انقلاب، کارها را قبضه کنند، بی‌تردید راه را بر رژیم اختناق و زور خواهند گشود، زیرا جلوگیری از رشد انقلاب و خاموش کردن مردمی انقلابی، جز با توسل به وحشیانه‌ترین اسلوه‌ها و تروریسم دولتی امکان پذیر نیست. و این‌ها - بخواهند یا نخواهند - ساجده صاف کن فاشیسم نیز خواهند بود. اما چون انحصار-طلبی‌ها و قشری‌گری واپس‌گرایانه چنان عمل کرده است که قوانین جمهوری اسلامی ایران و موازین دموکراتیک خدشه‌دار می‌شود و حتی برخلاف نظر و دستور و سخن مقامات مسئول، دفاتر احزاب بسته شده، مقر روزنامه‌ها اشغال و تخریب شده، کتاب‌فروشی‌ها سوزانده شده و چاق‌قادرها به جای پاسداران و دادگاه‌ها عمل می‌کنند، همین لیبرال‌ها امکان و دستاویز یافته‌اند، تا خود را "دمکرات" و "آزادیخواه" قلمداد کنند. اگر واقع امر را بنگرید، عمل انحصارطلبان و زورگوییان قشری، برای مخالفان انقلاب و لیبرال‌ها یک مانده آسمانی و غیر منتظره بود.

چه بسا و بدون تردید در بسیاری از این موارد، گرداننده اصلی این گونه تجاوزات، همان عناصر سازمان یافته ضدانقلاب و ساواکی‌ها هستند، که در قیافه هواداری از خط امام خمینی و به نام "حزب الهی"، توطئه‌ها را به راه می‌اندازند، جنجال می‌آفرینند، زدوخورد ایجاد می‌کنند، مردم را ناراضی و بدبین می‌کنند و آن وقت، بخش دیگری از "جبهه براندازی" به میدان می‌آید و دنبال همان اجرای وظیفه راه می‌گیرد: هر آنچه را که روی داده است، به پای جمهوری اسلامی ایران می‌نویسد، از بدبینی و یاس حاصله همانند زمین باروری سوء استفاده می‌کند و در آن بذر مخالفت و خصومت با انقلاب را می‌پاشد.

مثالها را در مورد عواقب سوء و نتایج بسیار منفی قشری‌گری و انحصارطلبی می‌توان، متأسفانه، ادامه داد. با این مثالها اهمیت خطری که از درون صف انقلاب را تهدید می‌کند، روشن می‌گردد. این خطر را نباید دست کم گرفت و به پیامدهای آن توجه نکرد.

اگر بختک قشری‌گری و انحصار-طلبی موفق شود به روی انقلاب افتد - که به عقیده ما به علت هشجاری انقلابیون و بیداری مردم نخواهد توانست - موجب خفگی و نابودی آن خواهد شد و راه را برای لیبرال‌های "معتدل"، میانه‌رو، که این همه آمریکا برایش آمده‌اند، باز خواهد کرد. علاقمندان به سرنوشت گسترش و تعمیق انقلاب باید جلو این خطر را بگیرند.

رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، در همان جلسه "پرسش و پاسخ" گفته‌است: "مسئله مبارزه با اشتباهات و زیاده‌روی‌ها و اجحافات که در نهادهای انقلابی انجام می‌گیرد، در این لحظه، دارای اهمیت فوق‌العاده مهم اجتماعی - تاریخی است و می‌باید آنرا خیلی جدی بگیرند و امکان ندهند که نیروهای هوادار انقلاب در نتیجه این نوع اشتباهات افراطیون، به سمت مقابل بروند." در واقع هم فعلا تمام امید لیبرال‌ها به همین رانده شدن نیروها به سمت آنها و میوه چینی اثرات اشتباه، زیاده‌روی، اجحاف و افراط است. درست به همین علت، تیشای که زده می‌شود، می‌تواند به ریشه بخورد. درست به همین علت است که باید ریشه را نجات داد و تیشه انحصارطلبی و قشری‌گری را از دست مظاهرین و انقلابی نمایان گرفت.

پشتیبانی از خط امام خمینی

بنابراین، سرنوشت انقلاب می‌طلبد که آشکارا و با شهامت حساب‌ها را روشن کرد. نباید اجازه داد که، عناصری به اسم یا در لباس روحانیت و اسلام، صف‌ها را مخدوش، روشها را معیوب، تصمیمات را مفلوک و مردم را ضیون سازند. مردم، به درستی، "روحانیت مبارز پیرو خط امام خمینی"، و نقش مهم آن را در روند انقلابی تشخیص داده و بر سینه روحانی نمایان دست رد گذاشته‌اند. مردم به عمق سخنان امام خمینی درباره "عواظ السلاطین، بی‌برده‌اند، مردم وقتی فریاد می‌زنند: "روحانی خط امام - بر تو درود، بر تو سلام"، به حق بر خط امام خمینی، که خط فارق بین روحانی اصیل و طرفدار اسلام راستین با روحانی نمای آمریکائی، طاغوتی، ساواکی، اربابی و لیبرالی است، تکیه می‌کنند.

این درایت امام خمینی و هشجاری خلق پندی است برای همه انقلابیون. همه ما باید ببینیم که، چه در لباس روحانیت و چه به نام جانبداری از انقلاب، عناصر و افرادی عمل می‌کنند و خود را در صف انقلاب جا می‌زنند، که بیگانه از انقلابند.

انکارپذیر نیست که عده‌های واپسگرا که ریزه‌خوارخوان استثمار و بساط اربابی و سرمایه‌سالاری هستند، عده‌های متحجر، که هرگز دوران خود را درک نکرده‌اند، عده‌های قشری که به ماهیت و سرشت تعالیم انسانی اسلام راستین هرگز پی نبرده‌اند و از آنچه تعلیم گرفته‌اند، هرگز چیزی عمیقاً نیاموخته‌اند، عده‌های خودمحرور-بین و انحصارطلب، که تنها علت

موجودیت خود را فنای دیگران - حتی هم‌زمان - و تنها شرط مطرح بودن و در صحنه ماندن خود را، راندن دیگران - حتی همسنگران - میدانند، سعی می‌کنند که خود را در صف انقلاب وارد کنند.

اما، انحصارطلبان و قشریون افراطی، هر قدر تسبیح طولانی به دست گیرند و ریش انبوه بر چهره نهند، یا در پشت فتاوی و احادیث خود را پنهان کنند، نباید جانی در صف انقلاب داشته باشند و شکل و شمایل خود را بر آن دهند. این‌ها بختگی برای انقلابند و بالقوه می‌توانند آنرا خفه کنند. اگر لیبرال‌ها موریانه انقلاب‌بند و می‌خواهند آنرا بیوسانند و از هم فروریزند، از سوی این بختک نیز، و به نحوی دیگر، انقلاب مسخ و از محتوای واقعی خود تهی می‌شود و به ریشه آن تیشه می‌خورد. باید حساب این بختک را هم از خط امام خمینی جدا کرد، تا انقلاب سترون نشود، پایگاه عظیم مردمی خویش - مایه حیات خود - را از دست ندهد و همچنان سرزنده و پویا و متکی به سرچشمه لایزال مردم باقی بماند.

ط به خزعلیات بلند هرزه‌درایانه امپریالیستی و ضدانقلابی دربار "حکومت ملاحا" و "استبداد آخوندی"، که منجمله از رادیوهای غربی و اویسی و بختیار فضا را آلوده میکند، کاری نداریم. ولی برای گسترش و تعمیق کیفی انقلاب اهمیت حیاتی دارد که مردم ایران، در تمام وسعت عظیم خود، درک کنند که، ارتجاع دشمن مردم و ترقی، و متکی به زور و زر و تزویر است، هر چند بکوشد به اسم اسلام جلوه کند. مردم باید در عمل ببینند که این ارتجاع هیچ ربطی به اسلام راستین و انقلابی ندارد، اسلامی که متکی به مردم و دشمن استکبار است و خط امام خمینی، در عصر ما، مظهر آن و "روحانیت مبارز پیرو خط امام" پیرو آن است.

ارتجاع تنها می‌تواند این اسلام را بدنام کند و نمایندگانش را در چشم مردم خوار نماید. انحصارطلبی نیز، هر چند به نام انقلاب بخواهد جلوه کند، هیچ ربطی به قاطعیت انقلابی ندارد.

انحصارطلبی، دشمن احترام به عقاید راهگشای انقلابی و آزادی و تشریک مساعی آگاهانه سازندگان ایران انقلابی، دشمن اتحاد همه نیروهای متنوع انقلابی و حکومت مردم مستضعف است.

انحصارطلبی را قاطعانه طرد کنیم

پس انقلابیون واقعی، همه پیروان خط امام خمینی باید به هوش باشند و در دام اعمال فشارها و شانتازها نیفتند. نباید از یاد برد که، هر اقدام ناسنجیده و هر تصمیم غلط این محافل بقیه در صفحه ۷

سیری در کار و زندگی کارگران چراغساز

«در زمان جنگ توقعی از دولت نداریم»

دولت باید با کمک به تاسیس تعاونی و قرارداد کارگران چراغساز تحت پوشش قانون کار، آنها را در ایجاد یک زندگی بهتر یاری کند.

نداریم

وقت مردم گرفته نشود، خوب است. وی در مورد علت حمله رژیم صدام به ایران، می گوید: "همانطور که معلوم است، این جنگ از طرف آمریکا است. من بهیچوجه حاضر نیستم کشورم را به دشمن بدهم. اصغر شیشه گران، پیرمرد شادابی است که در خیابان آذربایجان، میدان "رشدیه"، چراغساز دارد. وی هفتاد و شش سال سن دارد می گوید: "از چنگی زبردست پدرم کار کرده ام. حالاً روزی پنجاه شصت تومان درآمد دارم. خودم راننده می توانم اداره کنم. ۷ سرعائله دارم. وی در مورد اتحادیه می گوید: "عضو اتحادیه هستیم و جواز اتحادیه هم دارم. هر دفعه می روم اتحادیه، از من پول می گیرند. شرکت تعاونی هم نداریم. در مورد کمک به جنگ می گوید: "خیلی کمک ها کردم. پتو دادم پسته، رادیو و خیلی چیزها دادم. دوتا پسرهایم رفته اند به جبهه. هوشنگ کمالی، ۲۳ ساله، صاحب چراغساز خیابان ایرانمهر، در مورد تغییر وضع خویش بعد از انقلاب گفت: "وضع مانسبت به قبل از انقلاب تغییری نکرد ما ست، ولی من از انقلاب راضی هستم". او در مورد اختلاف کنونی در جامعه گفت: "باعث این اختلافات آنهایی هستند که منافقان از دست رفته است و می خواهند به هر ترتیب شده، جمهوری اسلامی را از بین ببرند". وی در مورد گرانی اظهار داشت: "جنس الان کم است. حتی اجناس مربوط به شغل ما، البته دولت تقصیری ندارد. در حقیقت همه اینها زیر سربازاری هاست که با احتکار کردن اجناس، آنها را به چند برابر قیمت حقیقی آن می فروشند". او در مورد کمک به جنگ گفت: "برادرم در جبهه است. من مقداری لباس برای برادرانی که در جبهه جنگ هستند، تهیه کردم و به وسیله برادرم به جبهه فرستادم". نوروزی، صاحب مغازه چراغ-

تعمیرکاران چراغ و سماور زحمتکشان هستند که از صبح تا شام کار می کنند و علیرغم کار مشکل خود، در آمد ناچیزی دارند. در نتیجه تبدیل سماورهای نفتی به سماورهای برقی و همچنین به علت رایج شدن چراغ های گازسوز، صنف چراغساز نیز ناچار است که خود را با این تغییرات در وسایل حرارتی وفق دهد. آن ها علاوه بر تعمیر سماور و چراغ، به تعمیر لوازم خانگی دیگری مانند بخاری، چراغ گازهای کوچک، آبگرمکن و همچنین لحیم کاری های جزئی نیز می پردازند. بعضی از آنها سماورهای برقی نیز تعمیر می کنند. اعضای این صنف از مزایای شغلی محروم هستند. اتحادیه ای دارند که غیرفعال است و فقط به آنها جواز کسب داده است. بیشتر کارگران از کار این اتحادیه بی خبرند. کارگران بیمه نیستند و شرکت تعاونی ندارند. برای آشنایی با مشکلات کارگران چراغساز و خواست هایشان، به چند مغازه چراغساز رفتیم و با آنها به گفتگو نشستیم. با ناصر کمالی، ۴۳ ساله، صاحب چراغساز "سید"، واقع در خیابان البرز، صحبت می کنیم. وی در مورد وضع زندگی می گوید: "قبلاً دکان نداشتم و کنار خیابان بودم. جواز تهیه نکردم، ۲۵ سال است چراغساز هستم. صبح می آیم و تا تاریکی شب کار می کنم. روی هم رفته ماهانه حدود ۳ هزار تومان درآمد دارم. من باید خرج ۷ نفر را بدهم. وی در ادامه سخنان خود گفت: "میزان تحصیلات من پنج ابتدایی است. وضع مالی پدرم بد بود و نتوانستم ادامه تحصیل بدهم. من به علت نداشتن جواز، عضو سندیکا نیستم و بیمه هم نشده ام. فقره بیمه و بهداشت و دفترچه درمانی برای خرید از شرکت های تعاونی ندارم. اگر فقط بخواهم چراغ و سماور درست کنم، زندگی تامین نمی شود. بخاری و آب گرمکن هم درست می کنم. چون سماورها برقی شده و بخاری ها به گازسوز تبدیل شده است. درباره انقلاب می گوید: "هیچ انقلابی در جهان نیست که بی اشکال باشد. انقلاب یعنی دگرگونی، برنا همه با هم می خورد و باید تحمل کنیم. ما گرفتار دشمنان داخلی و خارجی هستیم. بزودی زود برنامه ها درست می شود. من فکرمی کنم بیشتر جرائم در اثر تامین نبودن زندگی بوجود می آید. سرفقت و جنایت و خیانت بیشتر در نتیجه محرومیت اتفاق می افتد. باید برای مردم کار تهیه شود، تا بتوانند زندگی خویش را تامین کنند و احتیاج به تقلب و دزدی و احتکار در کسب نداشته باشند. اگر اجناس هم درست توزیع شود

کردیم. او گفت: "۱۳ سال است که اینجا کار میکنم. روزانه حدود ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار می کنم و تکفل پنج نفر را عهده دار هستم. تقریباً روزی صد تومان درآمد دارم، یعنی از هر صد تومان درآمد مغازه، ۶۰ تومان می گیرم و ۴۰ تومان بقیه متعلق به صاحب مغازه است." او در مورد انتظارات و خواست هایش گفت: "من هیچ انتظاری ندارم، یعنی هیچ زمانی از هیچ کسی انتظار نداشتم جز بازوهای خودم. دلم می خواهد سالم باشم و کار کنم." او می افزاید: "آنهایی که علیه حکومت اسلامی اقدام می کنند، اشخاص خود فروخته های هستند. راه حل این اختلافات هم همبستگی است." کارگران چراغساز، علیرغم فشار زندگی ناشی از کم حقوق و گرانی روز-افزون، چشم امید به انقلاب دوخته اند و از آن قاطعانه دفاع می کنند. آنها کار-شان سخت و طاقت فرسا است. در هر لحظه با خطرات جدی، چون ابتلاء به بیماری های ریوی و آتش سوزی مواجه هستند. با این حال بیشتر آنها از حق بیمه محرومند. بدیهی است که مسئولان امر باید با اقدام های اصولی و منطقی سروصورتی به زندگی آنها بدهند. می توان کارگران این صنف را از نظر بیمه های اجتماعی تامین کرد و این کار تنها با همکاری و رایگان کردن خدمات درمانی امکان پذیر خواهد بود. از سوی دیگر، کارگران با کمبود وسایل ضروری کار روبرو هستند. محتکران و تجار بزرگ، کالاها را احتکار کرده اند و عرضه آنها به بازار خود-داری می کنند. دولت می تواند: اولاً: با ملی کردن بازرگانی خارجی، مواد و وسایل ضروری را خود تهیه کند و بوسیله شبکه دولتی و تعاونی در اختیار مصرف کنندگان قرار دهد. ثانیاً: دولت می تواند از طریق پرداخت وام به اتحادیه کارگران چراغساز، تدارک تاسیس یک شرکت تعاونی را ببیند و از این طریق بانازل-ترین قیمت وسایل و لوازم کار در اختیار کارگران بگذارد. اینها نمونه های از اقداماتی است که در شرایط حاضری می توان انجام داد. ولی با این حال اغلب کارگران بعلت نداشتن کار خصوصی، از امکانات رفاهی چون حق اولاد، حق مسکن و بازنشستگی نمی-توانند برخوردار شوند. می توان با ایجاد مجتمع ها و کارگاه های دولتی، از تجربیات و خدمات آنها استفاده کرد و از این طریق آنها را زیر پوشش قانون کار قرار داد.

ساز نوروزی، که در زیر پله های در خیابان سیلان واقع است، می گوید: "با وام بانکی یک خانه خریدم. ام. یعنی آن زمان که ۲۰ هزار تومان دربانک می گذاشتند و دو بیست هزار تومان می گرفتند، خانه خریدم و ماهانه مبلغ ۴۵۰۰ ریال پول قسط خانه می دهم. عضو سندیکا هستم. از حقوق بیمه و بازنشستگی برخوردار نیستم." او در مورد خواست هایش گفت: "در زمان جنگ هیچ خواستی ندارم. اگر کمکی بخواهند بما بکنند، باید بدهند به جنگ زدگان. ما بعد از خاتمه جنگ خواستهایمان را اعلام خواهیم کرد." در ادامه این گفتگو، با قاسم رضانی ۳۶ ساله، که صاحب چراغساز رضانی است، به گفتگو نشستیم. وی درباره وضع زندگی اش گفت: "یک خانه را با برادرم شریکم هر کدام از دو اتاق استفاده می کنیم. برای خریدن خانه از بانک وام منفسی گرفتیم و ما ماهانه باید مبلغ ۲۳۱۰۰ ریال بابت قسط خانه بپردازیم. الان چند قسط آن عقب افتاده است." او در دنباله سخنانش اظهار داشت: "عضو اتحادیه هستیم، ولی سه سال است از آن خبری ندارم. اتحادیه شرکت تعاونی برای خرید ندارد و حتی نفت هم بهمانی دهم." او در مورد خطرات ناشی از کار چراغساز گفت: "این کار خطرات زیادی دارد. دود نفت و دود نشادر ما را اذیت می کند. آتش سوزی هم خطری است که دائماً تهدید می کند. ما به بیمه هستیم و نه دفترچه درمانی داریم. گاهی برای یک مریضی باید دو بیست سیصد تومان خرج کنیم." در خیابان نظام آباد، با چراغساز دیگری بنام احمد رضانی به گفتگو نشستیم. وی ۳۵ ساله است و در اینکار ده سال سابقه کار دارد. قبلاً کارگر مکانیکی بوده است. او گفت:

براه انداختن کارخانه های وابسته به معدن ایرانکوه، گامی است در جهت خود کفایی

معدن ایران کوه در جنوب غربی اصفهان، در دامنه سلسله جبال ایران کوه قرار دارد. قبلاً عمده سهام معدن متعلق به محمود رضایی، سرمایه دار بزرگ وابسته بود، که پس از پیروزی انقلاب، به خارج کشور فرار کرد. با پیروزی انقلاب، سهام رضایی ملی اعلام شد و اداره امور معدن در اختیار دولت قرار گرفت. حدود یک سال است که در نتیجه محاصره اقتصادی ایران از جانب امپریالیست ها، سنگ این معدن به فروش نرفته است. کشت و کار و نوع و میزان گیاهان مورد کشت هر منطقه، مقدار مصرف آب و نحوه و طرح شبکه بندی منابع آب و قطعه بندی اراضی را متناسب و دقیق تنظیم و پیاده کند. ایجاد شبکه های از تعاونی ها و سازمان دادن همکاری دهقانان به این منظور کمک خواهد کرد. بطور حتم مجموعه اقدامات فوق بر توان روستائیان زحمتکش سیمینه رود در دفاع از انقلاب بزرگمان می افزاید.

در روستاهای فوق، در مجموع ۸۵۴ خانوار خوش نشین زندگی میکنند این خانواده ها فاقد زمین هستند و سالیان متمادی فقر و محرومیت را با گوشت و پوست خود حس کرده اند. در نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران باید زمین های برخوردار از نعمات زندگی برای این خوش نشینان فراهم گردد. در این خصوص لازم است، علاوه بر اجرای قانون اصلاحات ارضی و تثبیت مالکیت دهقانان بی زمین و کم زمین بر اراضی واگذار شده، تعاونی های واقعی تولیدی ایجاد گردد و وسایل و امکانات کار کشاورزی در دسترس این دهقانان قرار داده شود، تا سرتاسر اراضی را احیاء کنند. در تلاش بمنظور رهایی این روستائیان از فقر و محرومیت، باید نهادهای مسئول قنوت را لایروبی کنند، جاه عمیق و نیمه عمیق حفر نمایند، تا از این طریق آب مورد لزوم برای آبیاری اراضی فراهم گردد. در این زمینه نهادهای مذکور میتوانند باید از اطلاعات و تجربه عملی متخصصان مومن به انقلاب، که ما مدگی خدمت به زحمتکشان را دارند، استفاده کنند. در خصوص تامین آب و آبیاری نهاد مسئول پس از خفر چاه و لایروبی قنوت باید موجودی آب هر منطقه و کم و کیف آن را دقیقاً بررسی کند و بیلان صحیح مصرف سالیانه تعیین و مشخص نماید، راههای جلوگیری از هرز رفتن آب را پیدا کند و بر حسب طرح منظم و اصولی

سیمینه رودی ها

بقیه از صفحه ۳ در یکی دیگر از روستاهای بزرگ سیمینه رود، یعنی بهادر بیگ هم منقذی خدمت های ۵۶ خود را معرفی کرده و به جبهه جنگ با تجاوزگران صدامی اعزام شده اند. یکفر هم شهید شده است. همچنین اهالی ۱۰۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد و پنیروان کمک کرده اند. در بهادر بیگ، بزرگ مالک روستا ۱۱۵ هکتار زمین آبی داشت، که این زمینها بوسیله هیئت هفت نفری به خوش نشینان واگذار شد. اراضی مذکور بوسیله خوش نشینان بزرگترت رفت. در مورد آب یکی از دهقانان میگوید: "اگر برای ما چاه بزنند و آب در اختیارمان بگذارند، تمام محصولات مورد نیازمان را میتوانیم کشت کنیم، ولی حالا مجبوریم فقط قدیم بکاریم و چشمانمان به آسمان باشد تا بحال چندین بار هم از اداره آبیاری تقاضای حفر چاه عمیق کرده ایم، ولی ترتیب اثر ندادم". یکی دیگر از دهقانان می گوید: "اگر چاه آب بزنند، می توانیم دامهای خود را نیز نگه داریم، در حالیکه الان مجبوریم آنها را فوراً بفروشیم". در روستای بهادر بیگ مدرسه ابتدایی و راهنمایی وجود دارد. حمام دوشی هم بوسیله جهاد سازندگی ساخته شده است، لیکن با اینکه بهادر بیگ روستای بزرگی است، فاقد درمانگاه است.

سیمینه رودی ها ... بقیه از صفحه ۳ در یکی دیگر از روستاهای بزرگ سیمینه رود، یعنی بهادر بیگ هم منقذی خدمت های ۵۶ خود را معرفی کرده و به جبهه جنگ با تجاوزگران صدامی اعزام شده اند. یکفر هم شهید شده است. همچنین اهالی ۱۰۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد و پنیروان کمک کرده اند. در بهادر بیگ، بزرگ مالک روستا ۱۱۵ هکتار زمین آبی داشت، که این زمینها بوسیله هیئت هفت نفری به خوش نشینان واگذار شد. اراضی مذکور بوسیله خوش نشینان بزرگترت رفت. در مورد آب یکی از دهقانان میگوید: "اگر برای ما چاه بزنند و آب در اختیارمان بگذارند، تمام محصولات مورد نیازمان را میتوانیم کشت کنیم، ولی حالا مجبوریم فقط قدیم بکاریم و چشمانمان به آسمان باشد تا بحال چندین بار هم از اداره آبیاری تقاضای حفر چاه عمیق کرده ایم، ولی ترتیب اثر ندادم". یکی دیگر از دهقانان می گوید: "اگر چاه آب بزنند، می توانیم دامهای خود را نیز نگه داریم، در حالیکه الان مجبوریم آنها را فوراً بفروشیم". در روستای بهادر بیگ مدرسه ابتدایی و راهنمایی وجود دارد. حمام دوشی هم بوسیله جهاد سازندگی ساخته شده است، لیکن با اینکه بهادر بیگ روستای بزرگی است، فاقد درمانگاه است.

چرا روزنامه جمهوری اسلامی به ادعای خود عمل نمیکنند؟

«ما فکر نمیکنیم این درست باشد که حزبی، دسته‌ای، گروهی، برای آنکه خود را بالا بکشد، تا آرماتهای خود را در جامعه عقلی سازد، با سلاح اتهام و تهمت به میدان بیاید.»

این جمله است که در سرمقاله دیروز روزنامه «جمهوری اسلامی» زیر عنوان «پاسخی بر اندازنده» و «نمایش» میخوانیم. از آنجا که ما نیز معتقدیم که نباید حزبی یا دسته‌ای با سلاح اتهام و تهمت به میدان بیاید، توجه سرمقاله نویسنده ارگان حزب جمهوری اسلامی را جلب میکنیم که: «اولا خود مرتکب همان «منکر» شده است که، پدرستی، سرمقاله را برای «نهی» آن نوشته. ثانيا در دام همان «لقاء شبیه» افتاده است که خود، پدرستی، گروه را منتصبی شده بدان را نشان داده است.»

حرف درست را برای عمل کردن و تصالیح قرارداد میزند و گرنه سودی از آن عاید جامعه و پیشبرد انقلاب نخواهد شد و لاقال مردم در صداقت گوینده تردید خواهند کرد. اصولی هم که احترام بدان‌ها را لازم میشمرند، باید دستور العمل روش و منش همگان و از جمله گوینده قرار گیرد و گرنه از اصولیت آنها چیزی بجای نخواهد ماند و لاقال مردم در اصالت آن شک خواهند کرد.

روزنامه «جمهوری اسلامی» در سرمقاله دیروز خویش، که طی آن با چهار نماینده لیبرالها بحث میکند و منظور آنها را از تشکیل میتینگ روز پنجشنبه گذشته میشکافد، به درک و بیان پایگاه طبقاتی آنها (مستخفوی دسته و گروه و طبقه‌ای که در مقابل مستضعفان جامعه قرار دارند) نزدیک میشود و آنچه از همه مهمتر است، عمده‌ترین مسئله را از یاد نمی‌برد و آنها را در مقابل این سؤال قرار میدهد که: آیا دشمن بزرگ ایران آمریکای چنانیکار هست یا خیر؟ ولی متأسفانه در همین سرمقاله، بعنوان «مقدمه» بیان آن اصل درست و این نتیجه درست، تهمت کهنه را تکرار میکند و مینویسد: «گروهک جاسوسی حزب توده».

این «سلاح اتهام و تهمت» که روزنامه «جمهوری اسلامی» با آن به میدان آمده، زیننده حزبی که در آن گروهی از رزمندگان راستین پیرو خط امام خمینی و مخالفان با سیطره امریالیسم بر کشور ما و معتقدان به حقانیت توده‌های مستضعف گردآمده‌اند، نیست؛ شایسته حزبی که نمیخواهد امید توده‌های مردم انقلابی ما را به پداس مبدل کند و قصد تضعیف پایگاه خلقی انقلاب را ندارد؛ برآزنده ارگان مرکزی حزبی که سخن از تقوای سیاسی و اخلاق اسلامی میگویی و باید خود سرمشق آن باشد، نیست. مگر نه اینست که شما سراحتا توسل به اتهام و تهمت را بعنوان سلاح بالاکشیدن خود برای عملی ساختن آرماتها طرد نمی‌کنید؟ اگر مردم و حتی معتقدان به حزب جمهوری اسلامی، این زیندگی و شایستگی و برآزندگی را در ارگان مطبوعاتی حزب جمهوری اسلامی نبینند، حق خواهند داشت نسبت به ادعای که در این ارگان بیان میشود و سخنی که با بهره‌گیری از تمام وسایل ارتباط جمعی گفته میشود، تردید کنند. و این بسود انقلاب مانست؛ نه تهناتبدان علت که به تجمع همه نیروهای انقلابی ضربه میزند، بلکه از آنجا که اعتقاد و تصدق مردم زحمتکش را در دفاع از انقلاب سست میکند.

سست کردن اعتقاد مردم و در نتیجه متزلزل کردن آنها، راهبای مختلف دارد که در برخی از آنها لیبرالها سخت استاندند، ولی برخی دیگر از راهبای از جمله زیربنا نهادن اصولی که خود اعلام میکنند و نقض سخنی که خود میگویند و ارتکاب منکری که خود آنها نمی‌کنند، از آن شیوه‌هاییست که «کاربری» منفی فراوان دارند و احتراز از آنها وظیفه انقلابی و انسانی و اخلاقی همه کمانیست که به اصولیت، صداقت، معنویت و تقوی باور دارند.

حزب توده ایران چهل سال سابقه سیاسی دارد و در دوره آزمایشهای مهیب تاریخی آبدیده شده است. ما نظیر این تهمت و افترای «گروهک جاسوسی» را از دربار شاه ملمون شنیده‌ایم؛ از ساواک پرورده «سیاه شنیده‌ایم»؛ از تمام دستگاه تبلیغاتی مامور استعمار شنیده‌ایم؛ از سرمایه‌داران بزرگ و محترکین و واسطه‌های کلان، که خون میلیونها مردم را میکده‌اند و می‌کنند، شنیده‌ایم؛ از بزرگ‌مالکان غارتگر و فاسد، که شیر جان میلیونها دهقان تهنی‌دست را میدوشیدند و میدوشند، شنیده‌ایم. ولی همه میدانند که حزب ما از راه خود، که راه استقلال ایران و آزادی مردم و رهائی زحمتکشانشان از یوغ استعمار و شکوفانی

و بهروزی همه تهیدستان و اعتلا و سر بلندی ایران بوده و هست، دست نکشیده‌ایم. پیداست بسیار کسان هم که سالهای متدای از دربار ساواک و سیا و دستگاه تبلیغاتی رژیم وابسته و ملمون گذشته همین تهمت‌ها را نسبت به ما شنیده‌اند، تکرار آنها شاید برایشان عادی شده است. به آن‌ها گفته‌اند، ملکه زهنشان شده است، یا بهتر بگوئیم، زنجیر گرانی بر دست و پای اندیشه و عملشان شده است، زنجیری که قدرت و شہامت رها کردن خویش را از آن، هنوز، ندارند.

ولی آیا بالاخره باید تفاوتی بین عامل سیا و ساواک و مامور دربار و نوکر سرمایه‌دار و خان، با انقلابیونی که تحت تاثیر سالها تبلیغات زهر آگین قرار گرفته‌اند، بوجود آید یا نه؟ ما فکر میکنیم که باید بوجود آید و چه بسا که هست، ولی در اکثر موارد آن شہامت مدنی، آن قدرت اخلاقی، آن روشن بینی سیاسی، آن درک عمیق واقعیت انکار نشدنی، هنوز، بدست نیامده - شاید هم هنوز آن تجربه ضرور و مشخص گردآوری نشده - که آن تمایز مسلم و آن تفاوت ماهوی، در این زمینه نیز، امکان بروز یابد و راهکنشی تحکیم انقلاب و تعمیق و گسترش آن گردد. ولی بالاخره این خود انقلابیونی که زیر پرچم اسلام به نبرد عظیم و سرنوشت‌ساز برخاسته‌اند، هستند که باید در این جهت گام بردارند.

دوسال از پیروزی انقلاب گذشته است. گیریم که شما از تمامی آن مبارزات حماسه آفرین توده‌ایها علیه امریالیسم آمریکا و امریالیسم انگلستان خبر ندارید، یا قضا خیار تحریف شده در اختیارتان گذاشته‌اند، گیریم که از نقش فعالیت‌های دامنه حزب توده ایران در سالهای گذشته بی‌خبرید یا اطلاعات مسخ شده را به شما القاء کرده‌اند، گیریم که شما از همه ایرانیان میهن‌دوست، آزاده، شریف و زحمتکش، که بمثابه عضو حزب توده ایران، خون پاک خود را، پانهایت سر بلندی و افتخار، نثار راه استقلال و آزادی و ترقی ایران کردند و بدست درخشان دربار و ساواک و فرمان «سیاه» و اینتلجینس سرویس و موباد کشته شدند و «جرم»شان، نه جاسوسی، بلکه فقط علاقه به سرنوشت زحمتکش و زندگی در میهنی مستقل و آزاد و آباد بود خبر ندارند، و یا این قهرمانان فداکار را نشناخته‌اید، گیریم که شما از همه و هزاران توده‌ای، که جمعا هزاران سال را در شکنجه‌گاہهای رژیم شاه ملمون بسر بردند و چه بسا با رهبران شما در یک سلول یا یک زندان بوده‌اند و مردانه پای فشردند و مظفر مقاومت رزمجویانه خلق ما در برابر امریالیسم رژیم وابسته و فاسد بودند، خبر نداشته‌باشید، یا وقت و تمایل پرس و جو کردن و آموختن را پیدا نکرده‌باشید، گیریم که... گیریم که...

ولی شما دیگر نمیتوانید بر سیاست و نقش حزب توده ایران در همین دوسالی که حزب جمهوری اسلامی را تشکیل داده‌اید و روزنامه «جمهوری اسلامی» را منتشر می‌کنید، چشم‌پهن‌بندید. نمیتوانید منکر شوید که روش مستمر و سیاست اصولی انقلابی مادر دفاع از جمهوری اسلامی ایران، در عقیم گذاشتن توطئه‌های براندازی آمریکای، در دفاع از انقلاب و انجام همه کوششهای ممکن برای پیشبرد و تقویت آن، در برابر دیدگان شما نبوده و از آن خبر نداشته‌اید. بنابراین شما نمیتوانید، اگر انقلابی هستید و خود را صاحب اخلاقیات و اصولیت و تقوی میدانید، حق ندارید صرف نظر از هر گونه تفاوت ایدئولوژی- حزب توده ایران را «گروهک جاسوسی» بنامید، شما در برابر تاریخ، در برابر مردم ایران، در برابر سرنوشت انقلاب، مانند همه ما، مانند همه افرادی که سرنوشت انقلابی مسئولیت‌دارید، شما نمیتوانید حق ندارید که تنها برای «رفع شبهه» و تبری جستن از انگ «همکاری با توده‌ایها» و نفی این «خیر» مضحك، که دو روزنامه نامه «مردم» و «جمهوری اسلامی» یکی خواهد شد (۱) و دو حزب يك روزنامه منتشر خواهند کرد (۱) تسلیم شانتاز شوید و در آن دامی بیفتید که معلوم میشود با مهارت لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی بر سر راهتان گسترده‌اند. آن هنگام که قلم سرمقاله نویسنده

چرخید و متورم شد و بصورت چماق درآمد و واژه‌های سراسر تهمت و افترای «گروهک جاسوسی» را بر روی کاغذ آورد، به گودالی در افتاد که «سیاه» ساواک و دربار شاه ملمون و تبلیغات امریالیستی، سالهاست آنرا کهنه‌اند و اکنون لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی و آمریکائی‌ها و رادیوهای ضد انقلابی میکوشند تا شانتاز و ارباب، انقلابیون مسلمان متعهد را بسوی آن هلد دهند. و اینست درست همان «لقاء شبیه» ای که، پدرستی، در سرمقاله روزنامه «جمهوری اسلامی» بدان اشاره میشود و اصل و نسب آن از لیبرالها و روزنامه «میزان» و روزنامه «انقلاب اسلامی» و «نهضت آزادی ایران» گرفته تا احمد غنصفریور و روزنامه «زنجیر» و رادیوهای اویسی و بختیار و مائوئیستهای چین و همکارشان آمریکا، زیر عنوان مشهور «لقاء ایدئولوژی» نشان داده میشود. شکفتاکه، با هشیاری، این شجره‌نامه شانتاز و کوره راه «لقاء شبیه» بیان میشود، ولی درست در همانجا که می‌بایست نتیجه‌گیری منطقی بعمل آید و با شہامت در برابر حملهٔ معرور کننده و سیل افترا و برچسب‌زنی استقامت و پایداری نشان داده شود، عملا در دام گسترده می‌افتند و برای رفع انتساب «همکاری با توده‌ایها»، واژه‌های تنگین و ناسازیست «گروهک جاسوسی» را در سرمقاله روزنامه «جمهوری اسلامی» جای میدهند. با نوشتن این کلمات، بپندشید که در کدام گودال افتاده‌اید؟ به کدام دام گرفتار آمده‌اید؟ موجبات خوشحالی و شغف چه کسانی را فراهم کرده‌اید؟ نقشه کدام عناصر را عملی کرده‌اید؟ و چه سودی به انقلاب رسانده‌اید؟

همین شب سه‌شنبه گذشته، هنگامیکه صفحات روزنامه «جمهوری اسلامی» زیر چاپ بود، رادیوی بختیار، که خود، بگفتهٔ درست سرمقاله نویسنده، یکی از حلقه‌های زنجیر «لقاء شبیه» و شانتاز است گفت: «سرمقاله‌های متعدد روزنامه‌های «میزان»... و همچنین «انقلاب اسلامی»... (البته آن رادیوی ضد انقلابی نگفت که آقای رئیس جمهور، بگفته استاندار اصفهان، قبول مسئولیت درباره این روزنامه نکرده است - نامه «مردم» اگر تگوتیم همه، ۹ دود، به بررسی و تحلیل خیانتها و سوءاستفاده‌های آنان (حزب توده ایران) اختصاص دارند، چگونگی ماهیت حزب توده (ایران) و موضوع‌گیری‌های خاننازه آن از اوضاع آشفته ایران در زمانهای مختلف جای تردید نیست.»

از رادیو بختیار این گفته عجیب نیست، بلکه کاملا در منطق اشیاء است. ضد انقلاب باید که با حزب ما چنین برخورد کند و در خاتمه همین گفتار شب سه‌شنبه درباره ماهیت خائن حزب توده، گلسو بدراند و باز برساند و شانتاز کند، اگر غیر از این بود، ما به خود شک میکنیم.

اما انقلابیون دیگر چرا؟ آنها که درست در نقطه مقابل رادیوی بختیار قرار دارند و ماهیت و جا و نقش آنها می‌شناسند، دیگر چرا؟ این نیست مگر نتیجه شانتاز، مگر ثمره «لقاء شبیه» که بصورت کوشش برای راهپایان گریبان خود از اتهام «همکاری با توده‌ایها» و به شکل خشن اتهام و افترا به توده‌ایها درمی‌آید. دو سال از انقلاب ما گذشته است. تجربه‌فراوانی گرد آمده است. لایه این مدت نسبتا طولانی و بسیار طوفانی هنوز کافی نبوده است، تا همه چشمها را باز کند و واقع بینی و هشیاری را در همه عقول و صدقات و روشن بینی را در همه قلوب بیافریند. ولی بالاخره باید روزی فرا رسد که شہامت مدنی بر فشار شانتاز غلبه کند. باید روزی فرا رسد که صداقت انقلابی، بر اعمال فشار لیبرالی و مائوئیستی، که چیزی جز فشار امریالیستی نیست، فائق آید.

درست است که جوانه‌های چین روند تاریخی‌سازی پیدا شده و تجربهٔ مردمی قهرمان، که انقلابی عظیم را با - انجام رسانده و در پاسداری آن جان بر کفایستاده‌اند، و درایت شخصیت‌هایی انقلابی، میرود تا پرده‌ی دود تبلیغات امریالیستی را بدر و آوار خفه کنند، باقی مانده رژیم آریامیری و سوء تفاهات را بکناری زند. ولی هر روز که دیرتر شود، زیانمند است. هر گذشتی که به «لقاء شبیه» لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی

شود، به انقلاب و استحکام آن ضربه میزند. هر تسلیمی که در برابر شانتاز عوامل آشکار و پنهان، آگاه یا ناآگاه امریالیسم صورت گیرد، خطر تازه‌ای را متوجه انقلاب خواهد کرد. از این میان، نقشه رنگان جان میکرد و عناصر «معتدل و معقول و میان‌رو»، که می‌خواهند حکومت «معقول» و مورد پسند و طرف‌مذاکره با آمریکا را بر سر کار آورند، به میدان خواهند آمد. آسان میشود نوشتد گروهک جاسوسی و دشوار میتوان از عواقب آن، که تفرقه نیروها، انحصار طلبی و تضعیف مبانی انقلاب است، احتراز جست. پای تهمت و افترا و اتهام هم، مانند دروغ، پای کوتاهی است و با آن نمیتوان طی طریق کرد، آنهم طریق دشوار و پنهان و غیردبخطال آرماتهایی انقلابی. تاریخ از همه افترا - زنان و تهمت‌سرایان نیرومندتر است و دست آخر اوست که حقانیت را بکسی خواهد نشانند. مبادا که در آنروز مغبون با شیم و نزد وجدان خود شرمسار.

تجربه‌چیز نیکوئی است. بیاد دارید هنگامیکه ما میکتیم گروهکهای افغانی، که به نام «مبارز مسلمان» بر ضد انقلاب آن کشور توطئه میکنند، «آمریکائی» هستند و شخص سید احمد گیلانی را افشا می‌کردیم که وابسته به آمریکا است و خود نماینده مستکبرین فاسد افغانی، منکر شدید. در خراسان کار را به آنجا کشاندند که نماینده قدرت انقلابی، فعالیت بسیاری از آنها را ممنوع اعلام کرد و در همین شماره دیروز، روزنامه «جمهوری اسلامی»، گذرا و در ستون‌جانی‌های خود، اعتراف کرد که سید احمد گیلانی امریکائی است و جن تماس یا سادات خائن و صبیونستها و امریالیسم امریکا هنری نداشته است. اما بجای آنکه شہامت نشان داده شود و اعتراف شود که ما در ارزیابی خود اشتباه کردیم، برعکس، برای پوشاندن این حقیقت، «حاشیه نویسی» می‌نوید که:

«شاید فردا توده‌ایهای خائن بنویسند نگفتمم افغانستان امریکائی هستند؟!»

در شان خود نمیدانیم که با «حاشیه نویسی» همکلام شویم و آنچه را که در نثار این واژه نسبت به حزب پرافتخار، سربلند و همیشه وقادار مردم زحمتکش و به میهن گرامی ما ایران نهفته است، بازگو کنیم. ولی شما لاقال نشان دهید که در ورای ادعای اخلاق اسلامی و ادعای نبی از منکر و ادعای تقوای سیاسی و ادعای نفی سلاح تهمت و اتهام واقعیتی وجود دارد.

در نبرد انقلابی نه تنها در برابر دشمن، بلکه در برابر اشتباهات خویش نیز باید شہامت داشت. دشوار است، ولی برای یک انقلابی واقعی لازم است. امسال معلوم شد که ارزیابی پارسال شما درباره «مجاهدان» افغانی و سید احمد گیلانی درست نبوده و برائی این ارزیابی نادرست، سیاستی که برای انقلاب دو کشور مردم دو کشور مفید باشند، اتخاذ نشده است. تاکنون شہامت اعتراف به آن پیدا نشده است، اگرچه تاریخ نیرومند آنرا ثابت کرده است. امسال هم در روز ۱۲ اسفند ۵۹ مینویسیدد «گروهک جاسوسی» و «توده‌ایهای خائن»، درحالیکه همانروز مدعی میشوید که «فکر نمیکنید درست باشد حزبی، دسته‌ای، گروهی برای آنکه خود را بالا بکشد، با سلاح اتهام و تهمت به میدان بیاید».

آیا باید باز هم سالی دیگر بگذرد تا تاریخ نیرومند، کندی این سلاح افترا و دروغ و اتهام و تهمت را، که چهل سال است توسط دشمنان مردم ایران بکار رفته و زنگار خورده، بر شما هم آشکار کند؟ بدانید که بیشتر بسود انقلاب خواهد بود اگر هر چه زودتر شہامت دور کردن بختک شانتاز را پیدا کنید؛ هر چه زودتر شہامت طرد آشکارای برچسب زدن را با زبان انقلاب، نه با کلام بهاریت گرفته از دشمن، پیدا کنید؛ هر چه زودتر از افتادن در گودالی که سالهاست «سیاه»، ساواک و دستگاه تبلیغاتی شاه ملمون و وابسته‌کننده‌اند و از دام لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی، به شیوه‌ای که اصل و نسب بختیاری و امریکائی و «زنجیری» دارد، احتراز کنید.

تاریخ نیرومند، حقایق را بکسی مینشانند. بسیاری از ایرانیان انقلابی ضد امپریالیست و ضد استعمار، استقلال طلب و آزادی خواه، که راه حزب توده ایران را برگزیده‌اند، یا آنرا نیروی انقلابی می‌شمرند و از حزبی در خدمت انقلاب و مردم زحمتکش میدانند، از هم اکنون باین حقیقت باور دارند که با گل اتهام و افترا، این حزب آندوده نخواهد شد. اما چه بهتر که ما خود بیاری تاریخ رویم و شہامت آنرا بیابیم که در برابر شانتاز ضد انقلاب، سینه به سینه بايستیم.

ایمان راسخ به پیروزی صف انقلابیون پیگیر خط امام خمینی را پشتیبانی و تقویت کنند و مطمئن باشند که در صورت اتحاد عمیق نیروهای متکی به مردم و مدافع انقلاب، در صورت هشیاری و بی‌تابان در دامهای عیدیه دشمن و دشمنان دوست‌نما، لیبرالها، علیرغم تمام هارت و پورتشان، روابط داخلی و خارجی‌شان، هفتش، آمریکا به اعتدال و میان‌روی‌شان و امکانات چند بعدی‌شان، هیچ غلطی

ضربه‌پذیر و تضعیف کنند. در نتیجه اینکه آنها ممکنست حسن نیت داشته باشند، مسئله‌ای فرعی است. عمده، سرنوشت انقلاب و گسترش و تعمیق کیفی آن است. عمده، نتیجهٔ رادیواری صف انقلاب است با ضدانقلاب. انقلاب وظیفه حیاتی و مبرم دارد که خود را از شر مورایانه‌ها و بختک‌ها در امان نگه دارد، و گرنه از هم خواهد پاشید و خفه خواهد شد. بعقیده ما، انقلابیون ایران قادرند از پنهان ماندن و انزوا و

در این رویارویی سرنوشت‌ساز، نتایج چنین طرز عملی کاملا آشکاراست. صحبت بر سر حسن نیت یا سوء نیت قشریون و انحصارگران و گروهبای تنگ‌نظر افراطی و گمراه‌شدگان خود محوربین نیست. صحبت بر سر نتایج واقعی و عینی کار و شیوه آنهاست. گاه ممکن است که برخی از آنها، در نهایت حسن نیت، عواقب سوئی بیار آورند که مردم را بدین و نازده و انقلاب را

باطور انحصار طلبی... نیست؟

در این رویارویی سرنوشت‌ساز، نتایج چنین طرز عملی کاملا آشکاراست. صحبت بر سر حسن نیت یا سوء نیت قشریون و انحصارگران و گروهبای تنگ‌نظر افراطی و گمراه‌شدگان خود محوربین نیست. صحبت بر سر نتایج واقعی و عینی کار و شیوه آنهاست. گاه ممکن است که برخی از آنها، در نهایت حسن نیت، عواقب سوئی بیار آورند که مردم را بدین و نازده و انقلاب را

حجت الاسلام محمد منتظری:

آمریکا، دشمن درجه اول ماست

اینجا هماهنگ عمل میکنند، در اینکه آن حساسیت ضد امریکائی که مردم ما دارند، اینها منتقل بشود به داخل ایران و یکسای مسائل انحرافی در داخل ایران مطرح بشود که این کاملاً خطرناک است.

حجت الاسلام محمد منتظری، عضو شورای عالی دفاع و نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، طی یک مصاحبه با روزنامه کیهان (۱۲/۲/۵۹) به سئوالاتی راجع به مسائل سیاسی روز، پاسخ گفت.

حجت الاسلام محمد منتظری در پاسخ به این سئوال که: اخیراً گویا نامه‌ای از طرف شما به امام نوشته شده، آیا این مطلب را تأیید می‌کنید؟ اگر درست است لطفاً در مورد مفاد آن توضیح دهید؟

«یک سلسله مسائلی را میدیدم که در ایران پدید می‌آید و اینها مسائل حساس است. مسئله مربوط به این شخص یا آن شخص نیست. مسائلی بود مربوط به کل انقلاب اسلامی و ابعادی که بدان اشاره کردم و انقلاب اسلامی از آن برخوردار است. چون دیدم دارد به ابعاد ضد - امریالیستی و از آنطرف حاکمیت اسلامی خدشه وارد میشود، از این جهت لازم دیدم که خدمت امام امت این مسائل را بنویسم و بعد مناسب دیدم که در اختیار برخی از برادران قرار دهم و تکثیر هم کردم که بدست دیگران هم برسد. خلاصه این نامه این بود که در شرایط کنونی من میدیدم که دست‌چاقی هماهنگ عمل می‌کنند، یعنی مطالبی از طرف جبهه ملی، نهضت آزادی، مجاهدین خلق، مائوئیست‌ها پخش میشود. همچنین دفتر هماهنگی با ریاست جمهوری

اخیراً شنیده میشود یکسری از افسران خوب دارند تصفیه میشوند و این ضایعه‌ای است که البته ما در جریان هستیم که برخی از افسران بسیار خوبی که ارتش و فرماندهی ارتش به وجود آنها احتیاج دارد، اینها را از آن مسئولیتهایی که الان در دست دارند، خلع کنند و در یک جاهایی که بتوانند موثر باشند قرار دهیم. بایستی در ارتش اجازه دهیم همه نیروهای متعهد و موثقی هر چه سریعتر رشد کنند و فعال شوند.»

حجت الاسلام محمد منتظری در مورد موضع جمهوری اسلامی

حزب توده ایران - سازمان کرمان:

آقای حجتی کرمانی واقعیات را در گونه جلوه میدهد

ضمین اشاره به هشدارهای مکرر حزب توده ایران درباره فعالیت‌های ضد انقلاب در کرمان برای به آشوب کشیدن محیط این شهر، از جمله آمده است:

«در روز تشییع جنازه علی فدائی همگان شاهد بودند که اعضاء و هواداران حزب توده ایران در کرمان تلاش فراوان کردند، تا از تشییع و درگیری جلوگیری کنند و در حد امکانات خود مردم را به آرامش دعوت می‌کردند. همچنین در هشدارهایی که در نامه «مردم»، شماره ۴۴، صفحه اول، درج شده، تسوچه مقامات مسئول به این امر جلب شده بود که عوامل ضد انقلاب در کرمان، از جمله دو قشر از کارمندان برق منطقه‌ای کرمان، اقدام به نشر و تکثیر اعلامیه‌هایی سراسر توهمین و افترا به رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرده‌اند.

متأسفانه آقای محمدجواد حجتی کرمانی، نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، در مصاحبه مطبوعاتی خود، که متن آن در «میزان»، ۳۰ بهمن ۱۳۵۹، به چاپ رسید، این روش اصولی اعضاء و هواداران حزب توده ایران در کرمان را تأیید کرده و توده‌ایها را به چماق‌داری متهم کرده است. این نکته نیز قابل توجه است که متن مصاحبه آقای حجتی کرمانی، توسط یکی از عوامل شناخته شده ضد انقلاب کرمان، که از طرفداران سرسخت مدنی است، در کرمان تکثیر شده است.

امیدواریم تکثیر این مصاحبه توسط عوامل ضد انقلاب در کرمان، آقای محمدجواد حجتی کرمانی را متوجه کند که چه کسانی از گفته‌های ایشان استقبال میکنند.

مزدوران سرمایه‌داران دفتر حزب توده ایران را در مسجد سلیمان غارت کردند

سرمایه‌داران و نمایندگان آنها لیب‌الها - که مدت‌هاست فریاد «دوای آزادی» سر داده‌اند و در شب گذشته (۱۰ اسفند ۵۹) جز مزدور را شبانه به سراغ دفتر حزب توده ایران در مسجد سلیمان فرستادند.

مزدوران ابتدا روزنامه‌ها نشریات موجود در دفتر را به حیاط بردند و در آنجا به آتش کشیدند. سپس صندوق دفتر خالی کردند و گریختند. بدنبال این یورش مزدور سرمایه‌داران، رفقای ما در مسجد سلیمان به سپاه پاسداران شهر بانی شکایت کردند.

حزب توده ایران ضمن افشای این چماق‌کشی جدید مدافعان آزادی غارت، از ارگانه‌های انقلابی، بویژه سپاه پاسداران میخواهد که عاملان این عمل ضد انقلابی را دستگیر کنند و به مجازات برسانند.

بدنبال مصاحبه مطبوعاتی آقای حجتی کرمانی، نماینده مجلس شورای اسلامی، که در روزنامه «میزان»، مورخ ۳۰ بهمن ۵۹، به چاپ رسید و طی آن اعضاء



استیضاح نمایندگان پارلمان بریتانیا درباره پشتیبانی تاجر از «نیروهای واکنش سریع»

مخالف اجتماعی و مطبوعات بریتانیا نگرانی خود را از تصمیم دولت محافظه‌کار آن کشور درباره شرکت بریتانیا در تدارکات نظامی واشنگتن در اقیانوس هند و در منطقه خلیج فارس ابراز میدارند. چند روز پیش خانم مارگارت تاجر، نخست‌وزیر بریتانیا، در جریان دیدار خود از ایالات متحده آمریکا، پشتیبانی دولت خویش را از عملیات «نیروهای واکنش سریع» امپریالسم آمریکا در این منطقه اعلام کرد. برخی از نمایندگان «حزب کارگر» خواستار شده‌اند که خانم تاجر در این باره در پارلمان توضیحاتی بدهد.

در پاکستان بیش از ۳۰۰ تن از میهن‌دوستان بازداشت شدند

روز ۱۱ اسفند، پزشکان، وکیلان مدافع و معلمان پاکستان، در پی فراخوان احزاب مخالف این کشور، برای شرکت در اعتصاب همگانی، دست از کار کشیدند. آنها، در تظاهرات خود، خواستار لغو حکومت نظامی و تفویض زمام حکومت به یک دولت غیر نظامی شدند.

از سوی دیگر، دانشگاه‌های اسلام‌آباد، لاهور و راولپندی تعطیل شدند. در روزهای اخیر، رژیم نظامی پاکستان به سرکوبگریهای خود افزوده و به بازداشت بیش از ۳۰۰ تن از مخالفان اقدام ورزیده است.

کسری بودجه در چین

«خبرگزاری فرانسه پرس»، با استناد به آمارهای رسمی یکن، گزارش داد که، کسری بودجه چین در سال گذشته متجاوز از ده میلیارد «یوان» بوده است. از سوی دیگر، روزنامه «فایننشال تایمز» خبر داد که چین

چهره تابناک انقلاب را شاداب و جذاب کنیم

این یک وظیفه مبرم و مهم است که انقلاب هشیارانه‌صفت خود را آشکاره، صاف، بی غل و غش، رها از انحصار - طلبی و قشری‌گری و فارغ از بختک مشخص کند، تا برای نبرد قاطع و پیروزمند با موریانه‌ها، آماده باشد.

انقلابیون مسئول و متعهد نباید اجازه دهند که زیر نام خط امام خمینی، با تمام طنین انقلاب پرشکوه و بار عاطفی و انسانی پر برکت آن، مرتجعین و افراتیون ترک‌تازی کنند و پیامدهای ناشایست اقدامات انحصارطلبانه و قشری خود را به پای این خط و صف انقلاب بنویسند.

چهره تابناک انقلاب ما، آنگاه با تمام تلالو خود نورافشانی خواهد کرد و توده‌های مردم را در سهمگین‌ترین نبردهای رهایی‌بخش متشکل خواهد ساخت و به پیش خواهد برد، که از زنگار موریانه‌ها و تیرگی بختک‌ها پاک شده باشد. در این موقع که نبرد خط امام خمینی با لیب‌الها و با همه سازشکاران «معتول، معتدل و میانه‌روی» باب طبع امریکای امپریالیستی، به گره‌گام نبرد اجتماعی و به نقطه عطف سرنوشته انقلاب مبدل شده، نباید امکان داد که عمل و روش مخالف و افراد انحصارطلب و قشری‌گرا، وسیله و پنهان‌های برای لیب‌الها

باطردان انحصارطلبی...

بقیماز صفحه ۷ نمیتوانند بکنند، همانطور که واپسگرایان نیز، علیرغم تمام ظاهرسازیها و عوام - فریبی‌هایشان، راه بیجائی نخواهند برد این دیگر هیچ راز جنگی یا رمز نظامی ناشناخته‌ای نیست که، اگر هندستان و یاوران دشمن به لباس دوست در صف ما جا خوش کنند، یا با تکیه به ظواهر، خود را دوست جا بزنند، نه تنها در لحظات حساس میتواند خرابکاری کنند و سنگرهای راه دشمن بسپارند، بلکه قادر خواهند بود که در میان دوستداران انقلاب تخم یاس و بدبینی بپاشند و ناامیدی و دلسردی و سرخوردگی را رواج دهند و نظریات و اعمال خود را بنام انقلاب، وسیله بی‌اعتبار ساختن آن کنند.

وقتی صف انقلاب بعلت زیاده‌روی، انحصارطلبی، قشری‌گری، کسج‌روی و اشتباه، ضربه‌پذیر شد، دشمن بر همین نقاط ضعف حمله‌ور میشود و درست‌در همانجائی که قدرت و صحت و صلاحیت و درایت از خود نشان نداده‌ایم، او تودم - ها را آشفته و پریشان و گمراه خواهد ساخت، ضربه را وارد خواهد کرد و توده‌ها را از دور انقلاب پراکنده خواهد نمود.

باید هشیار بود و در این زمینه نیز انقلابی عمل کرد.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست NAMEH MARDOM No. 459 4 March 1981 Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹ ۱۴ پستی تهران